

نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۳۰ مرداد ۵۹ شماره ۹۱ تکت شماره ۱۰ ریال

مبارزات عظیم
کارگری لهستان برای

فان، آزادی، استقلال

مبارزه قهرمانان کارگران
شهرهای مختلف لهستان که حدود
۲ ماه پیش آغاز شده در روزهای اخیر
از حمایت کشاورزان کشور نیوس
برخوردا گردیده و به اقشار و طبقات
دیگر خلقی نیز سرایت نموده است
این مبارزه وسیع و یکپارچه که در
آغاز با خواستهای اقتصادی آغاز
گردید، پس از کسب پیروزی های
بی دریی در این زمینه، سرعت
بسوی یک مبارزه با خواستهای روشن
سیاسی علیه حکومت دیکتاتور
و علیه سلطه جا براند سوسیال
امپریالیسم شوروی وزیر شعار
"استقلال، آزادی، تکامل یافت"

بقیه در صفحه ۲

با کارگران کوره های
جنوب شیراز

گذاری

رئیس جمهور درباره یک حمله عمومی آمریکا هشدار داد

تفنگداران آمریکا در نزدیکی سواحل ایران

فرماندهی این واحد نظامی اعلام
کرده است که آمریکا امکان بکار
گرفتن یک واحد ۹۰۰ نفره دیگر را در
کمتر از ۴۸ ساعت در منطقه دارد.

۱۸۰۰ تفنگدار دریایی آمریکا
که ماه گذشته با قیاس هندا عزام
شده بودند بطور ناگهانی بنزدیکی
سواحل جنوبی ایران منتقل شدند.

مطابق گزارش خبرگزاری رییای
جهان وزیر دفاع آمریکا - هارولد
بزاون - طی یک مصاحبه مطبوعاتی
اعلام کرده است اعزام چنین نیرو -
هایی به منطقه هشدار به روسیه
است تا بداندا آمریکا نیز مراقب
خط نفت در این منطقه میباشند.
واحدنا مبرده مجهز به تجهیزات
سنگین و هلیکوپتر است. علاوه بر
این واحد در منطقه خلیج فارس
دونا و هواپیما بر حدود نیست نا وجه
امریکایی دائما در حرکت هستند.

حضور بیش از پیش نظامی
امریکا در منطقه اگر چه به بهانه
جلوگیری از توسعه طلبی روسیه
صورت می پذیرد، لکن بطور
جدی استقلال و تمامیت ارضی
ایران و دیگر کشورهای منطقه
را بخطر میاندازد. امپریالیست
های جناح راست آمریکا، همچون
رئیس خود لفظه ای از توطئه گیری
علیه استقلال کشور، فروگذار
نمیکنند. آنان که ضربات چشم
گیری از انقلاب ایران خورده اند
در مددندتا بهر قیمت موقعیت

بقیه در صفحه ۲

پاسخ دبیر خانه
حزب رنجبران ایران
به روزنامه صبح آزادگان

شاید پراکنی علیه حزب رنجبران خدمت به ضد انقلاب است

جریده محترم صبح آزادگان

در روز پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۵۸
نمای از طرف گروهی ارتشائینا
و با مقام شیرازی به جا رسیده که
منجمله به حزب رنجبران ایران
ورغیب مبارز ما ایرج کشکولکی
بقیه در صفحه ۲

دولت یگ دست تشکیل میشود یک دست بی صداست!

اما ما معتقدیم هنوز بسی -
توانند چنین نباشد. دولت
هنوز نمیتواند دولت تفا هم باشد. شاید
تا حدی انتخاب این یا آن فرد
از قلم حزب و جریان انحصار
طلبان برای کابینه فی نفسه

همین روزها دولت جدید تشکیل
میشود. دولتی که سرآغاز تعیین
آن یعنی انتخاب نخست وزیر
- علیرغم ضرورت اوضاع میهن
ما - نتیجه ناممکن بود. اظهارات
ضمنی و صریح مقامات، مجلس



از پاسخ وزارت امور خارجه به تذکاریه گرومیکو پشتیبانی کنیم

خطر تجاوز روسیه به ایران خطر واقعی است

وزیر امور خارجه ایسرا ن در پاسخ به "تذکاریه" آندره گرومیکو وزیر امور خارجه روسیه نوشت: شورای انقلاب اسلامی ایران همزمان با لغو قرارداد دهکداری مشترک روسیه و ایالات متحده آمریکا ۱۹۵۹ ایران و ایالات متحده آمریکا فصول تحمیلی ۶۵ عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و روسیه را نیز منقضی الّا اعلام نمود. کمیته عالی تاسف را داریم که دولت شوروی علیرغم این واقعیت که فصل مزبور سابقان دراز است که اعتبار قانونی خود را از دست داده است، هنوز به خواسته مشروع ایران در این مورد توجهی ننموده و این تصمیم استقلال طلبانه را مورد تأیید قرار داده است. . . . آنچه موجب نگرانی عمیق ما است اینک فصول ۶۵ عهدنامه ۱۹۲۱ مزبور، دستاویزی برای تجاوز و تعرض به خاک میهن ما قرار گیرد. وی همچنین در جای دیگری از جوابیه خود مینویسد: "از نظر من چگونه میتوان تیماطی را داشتیم با شیم که بلوچستان ما در مرزهای افغانستان مورد تجاوز ارتش شما قرار نخواهد گرفت".

در اینجا وزیر امور خارجه ایران صراحتاً از خطر تجاوز نظامی روسیه به خاک ایران سخن میگوید آیا این خطر بطور جدی و ملموس وجود دارد یا اینکه تصور که برخی مماشات جویان با روسیه ادعا میکنند، وزیر امور خارجه ایران از خطری موهوم خیالی سخن میگوید؟ همه واقعات دال بر مصحت نظر آقای قطب زاده هستند نشان میدهند که میهن عزیز ما علاوه بر آنکه از طرف آمریکا نیز جنایتکار آمریکا در معرض خطر تجاوز قرار دارد، از طرف آمریکا نیز مورد تهدید و در معرض خطر اشتغال قرار دارد. این واقعات کدآ مند؟

۱- سیاست تنها جمعی امپریالیسم روسیه و نقش ایران در برنامۀ عمومی آن برای سلطه بر جهان. برنامۀ روسیه امپریالیستی برای سلطه بر جهان واقعیتی غیر قابل کتمان است. اکنون سالهاست که روسیه بر اساس یک

سیاست تنها جمعی جاساب شده، به تغییر منظره سیاسی جهان بسود خود مشغول است. کشورهای متعددی از زیر یوغ امپریالیسم آمریکا بیرون آمده و بگام امپریالیسم روسیه فرورفته اند. تنها جسم روسیه بسوی جنوب و آبهای گرم اقیانوس هند و خلیج فارس بامنابع عظیم انرژی زان برگی پوشیده نیست. ما بارها بر اهمیت استراتژییک ایران در این برنامه عمومی امپریالیسم روسیه هم برای رسیدن به دریای آزاد هم برای تسلط بر منابع نفتی حوزه خلیج فارس تأکید کرده ایم و تکرار آنرا غیر ضروری می بینیم. فقط به ذکر این نکته اکتفا میکنیم که تنها ساده لوحان میتوانند بگویند که ارتش روسیه پس از بلعیدن افغانستان در مرزهای ایران و در ۴۰۰ کیلومتری دریای عمان متوقف خواهد شد. ایران لقمه چربیبی است که خرس قطبی سالهاست خواب بلعیدن آنرا می بینند. این واقعیتی است که باید پذیرفت و توده ها را برای مقابله با آن بسیج و متشکل کرد.

سیاست نه شرقی نه غربی ایران سدی در برابر ترقی و توسعه روسیه است. سدی که با ید در هم شکسته شود، پس از شکست تجربه گامی، اکنون ایران برخاسته ترین نمونه زنده گرایشی نوین خلقها، ملتها و کشورهای جهان سوم علیه دوا برتر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه است. گرایشی که میروند تا بسوی روند عمومی انقلابات و حرکت های آزادیبخش بدل شود. سیاست انقلابی "نه شرقی، نه غربی" ایران باعث شده است که برخلاف بسیاری کشورهای دیگر که پس از آزادی از زیر یوغ امپریالیسم آمریکا به گام روسیه فرورفتند، بر روی پای خود بایستند و سیاست راستین نه آمریکا نه روسیه را در پیش گیرند. این سیاست که با رژیم جمهوری اسلامی عجین گشته است، مستحکمی در برابرشود روسیه است. سدی که با ید در هم شکسته شود تا هم نقشه

کوره ها

زن و مرد و بچه و بزرگ و پیر و جوان، همه کار میکنند. به نظر میرسد هیچوقت کار در این کوره ها پایانی ندارد. روز و شب برای کارگران کوره های جنوب شینراز چندان تفاوتی ندارد چون باید در روز کار کرده و همه در شب گویی زحمت و ستم در اینجا انتها نمی شناسد.

دو دسته کارگر در این کوره ها کار میکنند، کارگران فصلی، و دائمی. آنچه در مورد تمام این کارگران مشترک است شکیبایی در تحمل شرایط سخت کار و کم توقعی آنان در مقابل کار سنگین و مشقت بار است.

ما حیوان کوره های متوسط و کوچک بیشتر از همه، کارگران نشان را از روستاهای اطراف فسا بطور فصلی و بیماهی استخدام میکنند و با تهیه حداقل امکانات رفاهی برای این زحمتکشان، در اطراف کوره ها آنها را منزل میدهند (بطور مثال بیغوله های اطراف یکسرا از کوره ها حتی مستراح هم نبود).

بقیه در صفحه ۲

ایران با شیلی قطع رابطه کرد

روز دوشنبه وزارت امور خارجه ایران با صدور اطلاعیه ای با شیلی قطع رابطه کرد. در این اطلاعیه آمده است: "وزارت امور خارجه ایران بدین وسیله اعلام می دارد از آنجا که به استقرار عدالت در سر تا سر جهان و رعایت احترام و ارزش های والای انسانی در تمام کشورهای منطقه خاص جمهوری اسلامی ایران می باشد و اعتقادات و اعمال قدرت شیلی متاثر با این اصول است و دولت این کشور سالهاست که سیاست اختناق و سرکوب مردم شیلی را ادامه می دهد و این امر با بنیانی و اصول دولت جمهوری اسلامی ایران منافات دارد و از آن جایی که حمایت از تمام مستضعفان جهان از اصول سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران است لذا دولت جمهوری اسلامی ایران موجب برای ادامه مناسبات سیاسی با حکومت شیلی نمی بیند و به همین دلیل تصمیم گرفت که از تاریخ ۵/۲۵/۵۹ روابط سیاسی و کنونی خود را با جمهوری شیلی قطع نماید."

همچنین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از سفارت جمهوری شیلی در تهران خواست که در مدت پانزده روز سفارت خود را در تهران تعطیل و کلیه اعضای خود را از ایران خارج نماید. قطع رابطه با شیلی درست زمانی صورت پذیرفت که پیونوشه دیکتاتور کبیر شیلی "قانون اساسی" تازه ای برای تقویت دیکتاتوری می نمانیم.

تخت و وزیر با عیب نداشتی ما برین در مقابل آنحدا رطلبان تعیین شد. و حال اصحبت از دولت یکدست میشود. اکنون بیانی از هر چیز اینست سؤال برای سزدم ما مطرح است که از چنین دولتی چه انتظاری میشود. این "دولت یکدست" چه خواهد کرد؟

اگر چه رئیس جمهور و برخی مقامات مسئول میگویند که این مملکت شده آزما یسگاه، یعنی حالا اینها هم بیایند آزما یس کنند. اما فکر میکنیم نتیجه آزما یس رطلبان - اگر همین روال را ادامه بدهند - از هم اکنون روشن است. آنحدا رطلبان در کسالت و نیمه اخیر بخصم و این او آخر آزما یس خود را داده اند. آنحدا رطلبان تاکنون چه کرده اند؟

علامه کنیم:

- تفرقه در مبارزه ضد امپریالیستی و در نتیجه تضعیف حرکت بسوی استقلال

- تحدید آزادی ها

- ایجاد هرج و مرج در همه زمینه ها، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

- تا امنی قضایی، سیاسی حقوقی، قانونی، شلی،

- تا بسا ما بی درت و لید و اقتما د و تشدید خرابی وضع زندگانی و زحمتکشان

- تخریب روحیه انقلابی توده ها، ایجاد دنا را فایتی از انقلاب و تقویت جناح های ضد انقلابی.

حال آیا دولت یکدست آنحدا رطلبان میخواهد همین عملکرد را "قانونی" کند؟

اگر چنین کند بدون شک مردم نخواهند پذیرفت و از این دولت حمایت نخواهند کرد. از هم اکنون نیز پیداست که مردم در عین حال احترام عمیق نسبت به انقلاب اسلامی و رهبران آن، در مقابل آنحدا رطلبان مقاومت میکنند و روز بروز بیشتر و وسیع تر دست به اشای آنحدا رطلبی میزنند. مقداری میروند تحمل مردم نیز باطر انتظار تشکیل دولتی است که به این هرج و مرج و بی قانونی آنحدا رطلبان پایان دهد. و مسلماً مردم "آنحدا رطلبی قانونی" را هرگز تحمل نخواهند کرد. چنین دولتی از "دولت موقت" هم موقت تر خواهد بود.

تسلیم

حاشا حاشا نگدا زانفجاردینامیت گچساران که بیش از ۲۵۰ کشته و مجروح بجای گذاشت با ردیگر ملت ما را در غم و اندوه فریورد. ما ایمن حاشا حاشا با ربا به عموم مردم ایران و بخصوص به مردم زحمتکش با شست گچساران و با زمانگان گشته شدگان

تصحیح و نظر دختلی است که در طلبا نه در دست خود است و در این راه تنها به منافع قشری و محدود خود می اندیشند به مصالح انقلاب و منافع عموم. این همان چریکان آنحدا رطلبی است که خود را ملزم به رعایت هیچ قانونی، هیچ میثاقی و هیچ اصولی نمیدانند و امروز دیگر حاضر به پذیرش هیچ تفاهمی حتی در سطح حاکمین و جناح های اسلامی هم نیست. بنظر میرسد سرخست رطلبان بعد از مدتی بکجه تازی، غره شده و بفکر نوعی حکومت تک حزبی افتاده اند و این بسیار خطرناک است. خطرناک برای "سروشت میهن" و انقلاب و خطرناک برای خود آنحدا رطلبان.

همین خصلت سرخست آنحدا رطلبی است که با ید افشا و طرد شود و با تصحیح آنحدا رطلبان و درک شرایط حاسم میهن آنگاه دولت میتواند منعکس کننده تفاهمی در میان نهادها و جمهوری اسلامی یعنی میان، دولست، مجلس و قوه قضا ثیه باشد.

وضع بحرانی کشور ما، شرایط حاسم و خطرناکی که میهن ما را احاطه کرده و مقابلها دشمنان جناح یکنار و غدا ی چون آمریکا و شوروی و نگران و مزبور و جاسوسان آنها ایجاد میکنند که نیروهای سیاسی، شخصیت های مملکتی، مجلس و ریاست جمهوری در برابر آنها خلال در ایجاد تفا هم با قاطعیت برخورد نموده و حدا قل ایجاد یک تفا هم در رهبری مملکت را که بسود استقلال کشور و منافع توده ها باشد در دستور کار قرار دهند.

اگر چه دولت تفا هم هنوز تا یک دولت اتحاد بزرگ ملی فاصلت دارد و یخوبی قادر به حل مشکلات کنونی جا همه نیست، اما همان که همواره تا کید کرده ایم متقدیم تنها دولت اتحاد بزرگ ملی گشته منعکس کننده هر سه جریان اجتماعی میهن ما اسلام مبارز، ملی گرا شلی مترقی و سوسیالیسم انقلابی باشد قادر است یا شکوی بحران جا محنه و تحقق بخشنده سه اصل خلق استقلال آزادی، عدالت اجتماعی باشد، اما با توجه به واقعات کنونی و تنگ نظریهای جناح های حاکمین، همین دولت تفا هم خود حدا قل انتظاری است که میتوان از حاکمین برای حل نسبی بحران کنونی داشت.

تسلیم

و همچنین به ما مخمینی رهبران انقلاب و به رئیس جمهور بسنی صدر عمیق تسلیم میگوئیم، ما از مقامات مسئول خواهان رسیدگی به علل انفجار رومشخص کردن مسئولین این حاشا حاشا گوار هستیم.

نامه افساء گرانه يك كارگر

این روزها در بین کارگران شایع کرده اند که سود ویژه را آقای بنی صدر لغو کرده است

سلام بر رفقای رنجبر، حامیان واقعی طبقه کارگر و آگاه همدانگان واقعی انقلاب اسلامی ایران

بن بعنوان یک کارگر ایرانی به آقای رئیس جمهوری دکتر بنی صدر درباره لغو سود ویژه هتدای میدهم. که تعدادی عوامل انحصارطلب و فرست طلب از این موضوع استفاده کرده و بر علیه بنی صدر توطئه میکنند.

حدود ۱۸ ماه از انقلاب اسلامی ایران می گذرد و هیچگونه گتگی در بهبود وضع کارگران انقلابی نشده است بلکه کارهایی که هتت ساخته اند نه تنها بر سر دیگران خالی کند و کاری از دست آنها بر نمی آمده بر سر کارگران خالی کردند. چونکه دیواری از دیوار کارگر کوتاهتر پیدا نکردند. این کارگران بودند که این انقلاب را به پیروزی رسانند و حال فریبندای آنرا هم میخورند عوض اینکه وضع زندگی آنها بهتر شده بهتر هم شده است. همانطور که در رژیم گذشته ضربات رژیم را میخورند حالا هم میخورند.

در رژیم گذشته سود ویژه سه مضمون واقعی خود وجود نداشته بلکه کارفرمایان قسمتی از حقوق کارگران را به نفع خود بالا می کشیدند و قسمتی از آنرا هم بعنوان سود برداخت می کردند آن هم صد چوراز سر و ته آن بعنوان شایعات و غیبه میزدند و پس مانده آنرا بعنوان سود به کارگران برداخت میکردند و در جامعه یا بوق و گزنا منعکس میکردند که ما به کارگران سود می دهیم یا این حال در گذشته اگر کارگری میخواست در یک کارخانه استخدام شود وقتی به کمی دستمزد اعتراض میکرد در جواب میگفتند که این مرد سود ویژه و چیزهای دیگر بآن تعلق میگیرد و کارگر هم چاره ای نداشته که مشغول کار شود تا مشاخر زندگی خانوادگی را تأمین کند.

دیگر اینکه کارفرمایان برای بالا بردن تولید تا بتوانند سود بیشتری به جیب بزنند در بین کارگران شایع میگردد اگر تولید بالا

رود بیشتر سود میگیرید، کارگر بیچاره هم بعنوان اینکه در آخر سال سود بیشتر دریافت هرچه نیرو در بدنی بود به کار می انداخت و تولید را بالا میبرد و عاقبت هم هیچ چیزی نماند.

به هر حال قطع سود ویژه یعنی قطع قسمتی از حقوق کارگران به نفع سرمایه داران، تا باز بهتر بتوانند کارگران را استثمار کنند.

این کارگران ستون اصلی انقلاب اند که از جان خود گذشتند و این انقلاب شکوهمند اسلامی را بر رهبری امام خمینی به پیروزی رساندند و همینطور مبارزه خود را علیه ابر قدرتهای شرق و غرب یعنی روسیه اشغالگری آمریکا جهانخوار و عوامل داخلی آنها مانند حزب توده خائن و نوکر روس و عمال آمریکا به پیش می بردند و توطئه های آنها را خنثی میکنند. ولی در این میان عواملی که تاحه روز پیش هر صدامی از کارگر در می آمد تا حق قانونی خودش را بگیرد، این عوامل صدامی او را در کتف خنثی کردند و توطئه "امریکائی" و "صدام انقلاب" بآن میزدند و حال نمیدانم این چند روزه آفتاب از کدام سمت طلوع کرده که مدافع کارگر شده اند.

این عوامل این روزها توطئه می کنند بر علیه بنی صدر. این افراد این روزها در بین کارگران شایع کرده اند که آقای بنی صدر سود ویژه را لغو کرده است.

توطئه های از این توطئه را خودم با چشم و گوش خودم دیده و شنیده ام. نمونه آن در کارخانه تاجیک ملی گتسه عده ای دستمزد از گتسه کار کتیده و بر علیه بنی صدر شعار می دادند که آقای بنی صدر سود ویژه را لغو کرده و نمونه دیگر آن در کارخانجات قرقره زبیا که من خودم در آنجا کار میکنم. یک روز عده ای از کارگران انقلابی اعتراض کردند به لغو سود ویژه یعنی

و پیروزه یخی از شورا های کارخانه

نمی دالم این چند روزه آفتاب از کدام سمت طلوع کرده که عده ای طرفدار کارگر شده اند

که وابسته به انحصار طلبیان است میگفت آن موقع گتسم اما شما ها به آقای بنی صدر آه دادید و حالا ضربات خوب آقای بنی صدر را بخورید، امروز سود ویژه را لغو کردند و فردا چیزهای دیگر را لغو می کنند.

من از این عوامل می پرسم آیا آقای بنی صدر در همه کارها تنها شرکت می کند یا حالا تنها شرکت کرده و آنرا لغو کرده است.

این یک هتداری از طرف ما کارگران آقای بنی صدر است و بطور سریع خواستاریم تا زمانی که کارگران ایران از حقوق کافی برخوردار نیستند سود ویژه باید برداخت شود.

ثانیا ما از آقای بنی صدر خواستاریم که این عوامل انحصار طلب و فرست طلب که کار آنها تاکنون در مجلس شورای اسلامی و دیگر جاها که به ضرر انقلاب و کارگران و زحمتکشان این مملکت است به مردم ایران معرفی نماید تا مردم تکلیف آنها را روشن سازند.

در پایان ما کارگران پشتیبانی بی دریغ خود را از رئیس جمهور آقای بنی صدر اعلام میداریم.

زنده باد اتحاد بزرگ ملی مرگ بر آمریکا و روسیه. زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود نویسنده ح-گ

فاطمه پراکنی علیه ... از صفحه اول

برچسب ها بی درخور مشوقی... نویسنده گان تا مه یعنی شیرزادی نصبت میدهد. بدینوسیله خواهشمند است بر طبق قانون جرایم جوییه در همان صفحه و با تیتربهمان اندازه چاپ گردد.

۱- شیرزادی گویا یکی از همپالگی های عوامل ساواک و سیا داروخته گتیا نوری حزب توده باسد پس از زبیرا با همان نفرت و با همان برچسب های مکرر در مکرر ایستادن داروخته های سپاه به حزب رنجبران ایران و رفیق کتکولی حمله میکنند و میگویند که طی نامه ای به شورای انقلاب و رئیس جمهوری آنها را از نظرات "گروه منحرف رنجبر" مطلع کرده است. آیا حزب رنجبران ایران خطرناک است؟ حزب ما مبارز سر - سخت ضدا مبرهیا لیسیم بویژه ضد دو ابر قدرت سلطه گرا آمریکا و شوروی و عمال آنها است. حزب ما مدافع آتشین اتحاد بزرگ ملی سه چریسان تاریخی اسلام مبارز، ملی گرایسی مترقی و سوسیالیسم انقلابی است. حزب ما سنگر استوار مبارزه بسرای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و با لایحه حزب ما مدافع صادق انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن امام خمینی بوده است. اینها نیز برخلاف تازه از راه رسیدگان پر صدها تنها در حرف و نوشته نبوده است. ما برای آن شهید داده ایم، سالیان دراز زندان و شکنجه را همراه ما رزین اسلامی و ملی تحمستل کرده ایم.

در طی این سالها دو گروه ضدا انقلابی دشمن خوبی خرتکی که به ایجا حزب رنجبران ایران منتهی گردیده. بوده اند: یک کتبی امبرهیا لیسیم آمریکا و رژیسم سر سرده پهلوی و ساواک جنا بیکتار و دیگری سوسیال امبرهیا لیسیم شوروی و نوکران حیره خوارش چون داروخته گتیا نوری در حزب توده هر دو اینها ما را خطرناک میدانستند و هر دو دسته هم برای زدن ما سلاح زنگ زده

منصب کردن ما به کشورهای خارجی دیگر... را به کار می بردند. اما صبار زین صادق چه مسلمان چه ملی چه ما رگتست، چه در درون زندانها و چه در بیرون آن، چه در ایران و چه در خارج آن تنها ما را "خطرناک" میدانستند بلکه رابطه ای برادرانه نیز بین ما برقرار بود و قس علیهذا.

حال ما می پرسیم هنگامی که شیرزادی می نویسد حزب رنجبران ایران "خطرناک" است، آب به کدام سیاب می ریزد و با چه کتسی هم آخور است؟ ۲- شیرزادی در مورد رفیق ما ابر کتکولی مینویسد: بخان

هنگامی که در دبیرستان بود، مبارزات خود را علیه رژیم مزدور پهلوی آغاز و پس از پایان دبیرستان برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در آنجا در صفوف کتفدرا سیون دانشجویان ایرانی بطور بیکیبر علیه رژیم شاه مبارزه کرد و با رهبا بوسیله پلیس آلمان دستگیر شد. در سالهای ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹ در مبارزات مسلحانه ای که در قسارین علیه رژیم شاه جریان داشت، بجد از زور و مخفیانه اش به ایران، شرکت کرد. در پیدا دگا شاه غیا با بسه اعدام محکوم شد، سپس در مبارزه مسلحانه خلق دلیر کرد علیه رژیم سفاک شاه شرکت کرد و با آنها عمدهوش دهقانان کرد مبارزه کرد. پس از آن برای مدت بیش از ۳ سال بعنوان یک کارگر، جوشکار، برکتسار راننده در کوییت در بین کارگران ایرانی به شکل و سازماندهیسی آستان علیه رژیم شاه برده خست. بعد از پیروزی انقلاب رفیق کتکولی تحت رهبری حزب رنجبران ایران مبارزه علیه فئودالها و خاندنهای ساواکی در فارس را بطور پیگیرانه به پیش برد و در این زمینه مقالات متعددی در "رنجبر" ارگان حزب رنجبران ایران شاهد این مبارزات است. کتسه متا سفانه مستولین امور به ایسی امری توجهی کردند و اکنون عده ای از همین ساواکی ها مسلحانه علیه جمهوری اسلامی برخاستند. رفیق کتکولی دوست و خدمت گذار واقعی توده ها و همسر مرمز م شهدای حزب ما ضایی ها و غل زاده ها "همفره فتودالها" و "همپالگی لسانی ها" معرفی شده. همسه میداند رفیق ما هیچگونه مالکیتی ندارد، مردمی ل کتکولی، روستا ثیان منقشه ا کارگران ایرانی در خلیج دهقانان مبارز منطقه سردشت بهتراز هر کتسی میتوانند در باره رفیق ما قضاوت کنند.

اکنون رفیق در شیراز در یک محله کارگری در آپارتمان اجاره ای کوچکی که روزها نیز فاقد آب است، زندگی میکنند.

۳- برای این می بینیم که ادعاهای شیرزادی علیه حزب ما و رفیق ایرج کتکولی مشتکی لجن پراکنی است که قس مدین گرفتن ما می از آب گل آلودی است که این روزها تحت هتسوان مبارزه با خوانین در ایستون منطقه حساس کشور انجام میگردد. بی جهت هم نیست که نویسنده با صلاح منافع این نامه آسمان وریسمان با فتنه تا عده ای را بفریبد در این میان نیز با آوردن یکسری اطلاعات و اسامی درست و نادرست میخواهد صحت ادعاها را بسنجد خود را به خواننده بقبولاند. والا در

اخبار نیروهای سیاسی

حقیقت: اپورتونیسیم راست چریکهای اکثریت

"حقیقت" شماره ۸۴، در مقاله ای تحت عنوان (کودتای نا فرجام از دیدگاه انحراف راست و "جیب")، بسه سرقاله "کار ۶۸" (چریکهای اکثریت) و "ره نمود" های آن برای "برطرف ساختن معضلات کتونی"، اشاره کرده و در این رابطه می نویسد:

"در اینجا اشکارا همان نسخه معروف "راه رشد غیر سرما بسه دار" بیجیده شده است. تا کتید بر رشد بخش دولتی اقتصاد و تا کتید بر کتترل دولت برای رگانهای تولید و مصرف و تجویز گتسرش مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی (بخوا نید سوسیال امبریا لیسیتی).

"حقیقت" سپس می نویسد: "البته حزب توده و تکتورسین های مسکونین آن، به گفته های بالا یک نکته دیگر را که همان "راه رشد غیر سرما بسه دار" و "راه گتشی بسوی سوسیالیسم" میباشد اضافه میکنند و حرف خود را صریح میزنند. لاکسن فدائیان هنوز به صراحت حزب توده نرسیده اند و هر چه در حرف این "راه" را رد میکنند، در عمل همان برنامه همان نسخه را می پیچند و میبلغین "حجالتی" این ترور کتسته بویژن بیتی میباشند."

"حقیقت" با طرح این مساله که آنها "بدون آنکه در باره مضمون این مالکیتها و مناسبات حاکم بر آنها سخنی بگویند، راه خارج شدن از معضلات کتونی کشور را در دولتی کردن همه چیز و تکتدیکی به دوستان بین المللی شان میدانند"، می افزایند: "گرایین دولت همه چیز را هم ملی کند (یعنی دولتی نماید)، مشکلی از مشکلات این اقتصاد ورشکسته و زمینه های کودتای امبریا لیسیتی بر نخواهد داشت و اگر مناسبات اقتصادی آن را با یک

دو شرق - در خاک افغان...
شنان ، بخشی از ارتش اشغالگر روسیه بر سر مرزهای افغانستان و ایران تمرکز یافته است...
روزر بر رویه تنها تنظیمات آن...
ما زور برگ جنگی و تنظیمات آن...
افزوده میشود . آثاره وزیر امور خارجه ایران در شا مه خود به گروهی در مورد خطر تجاوز به بلوچستان ایران ، در مورد همین نیروی متحرک در مرزهای شرقی ایران است . در غرب کشور ، سربل اطلاعات روس به عراق همچنان سرازیر است و علاوه بر آن تحویل اطلاعات روسی به حزب دمکرات کردستان را از آنکساری است که هم در ایران حزب دمکرات به آن اذعان نموده اند و هم دلایل وجود آن بدست مقامات ایرانی افتاده است که وزیر خارجه در نامه خود آن اشاره ای دارد .

میگویند ایران با کشورهای دیگر...
فرق میکنند و روسیه به ایران تجاوز نخواهد کرد . آنها میگویند وضع ایران با کوبا ، آنگولا ، اتیوپی و چین جنوبی ، ویتنام ، لائوس ، کامبوج و افغانستان متفاوت است . ایمن حرف درستی است . وضع ایران با این کشورها فرق میکند . اما این تفاوت هیچگونه تضمینی را برای جلوگیری از خطر تجاوز روسیه ایجاد نمیکند . بیان اینکه آمریکا هیچ قلمی نمیتواند بکشد ، روسیه هم هیچ غلطی نمیتواند بکند ، واقعی است که مشروط به یک شرط اساسی و حیاتی است : دوا بر قدرت در برابر یک خلق آگاه بسیج شده و متشکل ، در برابر یک خلق متحد و هوشیار هیچ غلطی نمیتواند بکند . ولی اگر توده های مردم خطر تجاوز روسیه را لمس نکنند ، اگر به ما هیت انبریا لیبی ، یو برنا مه تجاوزکارانه روسیه آگاهانه نداشته باشند ، اگر در برابر خطر تجاوز آن هوشیار و آگاه و اگر ویرانه ها و مقتدران در آنجا موجود نباشد ، هیچ معجزه ای بوقوع نخواهد پیوست و خطر از دست رفتن استقلال ، میهن ما را تهدید خواهد نمود .

جنگورستان نخواهد یافت...
در ارتباط با نقل و انتقالات اخیرا آمریکا در منطقه روزنامه انقلاب اسلامی در شماره دیروز خود ، گفتاری از رئیس جمهوری کشورمان را درج نموده که در زیر ملاحظه میکنید :

ما زور خبرنگار سیاسی انقلاب اسلامی با دکتر سید ابوالحسن بنی صدر و رئیس جمهوری تماس گرفت و نظیر ایشان را خواستار شد رئیس جمهوری اظهار داشت آمدن نیروهای آمریکایی به نزدیکی سواحل جنوبی کشور به خاطر یک "برنامه حمله عمومی" است .

و همپا لگمی...
شکوه ها و سیروسنها وندی ها این نیز همان ترها بی است که از منابع ساواکی و وابسته به روس دائما تراوش کرده و میکند . مردمی که ابرج کشکولی را می شناسند میدانند که پدرش یکی از کلانترهای ایلی کشکولی بوده و در سالهای ۱۲۲۲ ، ۱۳۲۵ بعلت مبارزه علیه دربار زرسپس کرده شکنجه های سخت را متحمل شد در اتره همین شکنجه ها بود که بعدا وفات یافت . خود رفیق کشکولی در سال های بعد از کودتای تنگین ۲۸ مرداد

اسارت با ردیگری را جایگزین آن ساخته است

تصحیح

در شماره ۹۰ رنجیستون اخبار نیروها تیرهای مقالات اشتباهها جایجا شده بود . بدینوسیله از خوانندگان عزیزپوزش می طلبیم .

در جنوب و در آنجا...
خلیج فارس چیده تا جنگی روسی درگت گذارند و درگتارگت های جنگی آمریکا ، آنجا این منطقه را با حمله ای قوای نظامی دوا بر قدرت تبدیل کرده اند . پس ناگهان به این واقعات میتوان دید که آمریکا لیبی روسیه تدارک نظامی میجویم ایران را فراهم ساخته و با سرعت در حال تدارک و زمینه سازی سیاسی برای این پیش می باشد .

در اوضاع متلاطم و هرج و مرج...
زده بین المللی و با توجه به زمینه سازی سیاسی امپریالیسم روسیه ، امکان تجاوز نظامی روسیه به ایران از شمال با شرق مسئله غیرقابل تصور نیست . بعکس ، این امر با توجه به تجربه کامبوج و بخصوص تجربه افغانستان کاملاً محتمل پیش بینی است . باختر اشته با شیم که لشکرکشی روسیه به افغانستان تحت بهانه تضمین "امنیت مرزهای جنوبی شوروی" انجام گرفت . حال با توجه به اینکه روسیه با سرخستی بالفلسو بندهای دو عهدنامه ۱۹۲۱ که امکان ورود لشکرهای شوروی به ایران را در صورت احساس خطر برای امنیت روسیه باز میگذارد ، مخالفت میکنند ، باید منتظر بود که چه وقت تزارهای

رئیس جمهوری در برنامه...
این سؤال که آیا برنامه حمله عمومی به این معناست که آمریکا تنها میخوادند قوای خود را وارد خاک کشور ما کنند ، گفت : خیر ، آنها نیروهای ایرانی خائن به وطن را تربیت کرده اند و با تقویت آنها ، از آنها برای تجاوز به ایران استفاده میکنند . رئیس جمهوری افزود آمریکا میخوادند با این اعمال لیبی ، ایران را بپراکنده و هر یک را در صورتی موردتهاجم قرار دهد و در همین رابطه به قرا از اطلاعات رسیده نقشه حمله از طرف مرزهای عراق و ترکیه نیز تدارک دیده شده است . رئیس جمهوری اطلاعات بیشتر در این زمینه را موقوف به بعد از جلسه کمیسیون امنیت که امروز در دفتر ریاست جمهوری که با شرکت فرماندهان نیروهای هواکنه ارتش جمهوری اسلامی ایران برگزار میشود ، کرد و گفت در این زمینه در کمیسیون امنیت بررسی های لازم بعمل خواهد آمد و بعدا مثال بیشتری خواهد داد .

گذاری به جهنم...
از صفحه اول

کارها جنگ و دندان به پیش میروند و با اینکار رطولانی سخت و حقوق کم بها بدوسایل گذران زندگی ها نوا ده فرا میشود . همه باید کنار گذاشتند . تقسیم کار بین آنها بنا بر صفتی کار انجام میگیرد . مثل شغل زنی که کار رنگینی است را جوانتر ها و قوی ترها انجام میدهند و جمع آوری خشت و آهک را بپیرها و زنهای به عهده میگیرند .

کارگران این سه کوره ساخته است...
دا شما به آنها که اکثر آنها را طراف شهت مده اند ، زورگویی میکنند . حتی در روز تعطیل مباحرا جسی اجازت نمیداد که کارگران دردهایشان را با خبرنگار رنجی "در میان بگذارند . یکی از کارگران که به مقابله برخاسته بود خواهان آن بود که خواهش هایش در رنجیستون مطرح شود ، حتی نزدیک بود از دست آقای مباحرا کتک بخورد . ایمن کارگر زحمتکش در حالیکه بشدت نگران بود و بغض گلویش را می فشرد به خبرنگار ما گفت : می بینید من یک کارگرم . جلوی چشم شماها میخواست من را بزند .

می بزند و هر کجا حداقل ۲۰ سال...
در سر کوره ها کار کرده اند . باختر کمی حقوق داشتی از این کوره به آن کوره رفته اند و حالا کوره ۲۰ سال است که سر این کوره کار میکنند و هیچکدام دفترچه بیمه ندارند . آنها میگفتند : از زمان طاغوت تا بحال قانونی در کار نبوده است اما میدواریم حالا میبند خدا قوتون حاکم شود .

در دستگاه وسیع جاسوسی...
برای خبرگیری و طرح توطئه علاوه بر مدها جاسوس حرفه ای که در ارگانهای گوناگون کشور تظیر ارتش به خبرگیری مشغولند و علاوه بر جاسوسی کارکنان هیئت های علمی و مستشاران و تکنسین های روسی در ایران (وزیران مورخا رجه ایران در شا مه خود اشاره میکنند که نه تنها کارداران سفارت روسیه بلکه بسیاری از ما سفارت شایع های انجام کارهای جاری و عادی سنگ سفارتخانه واقعی به جاسوسی اشغال دارند) ، امپریالیسم روسیه کلاه مکانات تکنیکی خود تظیر ما هوا های جاسوسی ز اجرای تکمیل اطلاعات و شبکه جاسوسی خود در ایران بکار میبرد .

نویس مرزهای جنوبی خود را مجددا...
و اینبار در مرزهای مشترک ایران و روسیه در صحنه خطر "احساس خواهد نمود ؟"

بزرگترین سلاح ما برای مقابله با خطر تجاوز روسیه ، نیروی لایزال و پرتوان توده های میلیونی مردمند مردمی که با بدست به این خطر آگاه و برای مقابله با آن بسیج و متشکل شوند .

برای حفظ استقلال و هویت اسلامی...
ملی خودخواهیم چنگید . این موضع اصولی و انقلابی ، با بدورد پیشتیبانی وسیع کلیه نیروهای ارتش طلب ترا رگسرد طرح خطر تجاوز روسیه به ایران و آگاه کردن توده ها به این خطر و تسهیل همجا نه برای مقابله با آن در صحنه کار کلیه نیروهای استقلال طلب قرار داد .

خود آنها نسبت به این کار...
طاعت فرسا و قحنا چیز است مثلا یک مرد خا نوا ده با همه خا نوا ده اش اگر حداقل ۱۲ ساعت کار میکنند میتوانند حداکثر ۲۰۰۰ خشت بزنند و از قرار هزاری ۹۹ تومان در بافت میکنند . کاررگتاری است و تعطیل سردار نیست و هر وقت که کاررگرا رنگند مزدی هم ندارند .

وضع کارگران دائم هم...
وجودی که آنها سابقه کار دارند چندان فرقی نمیکند و آنها هم بطور کنتراستی کار میکنند و از بیمه برخوردار نیستند .

سوزی (آجرپزی) به اسمی آقایان...
خلیلی شریفی ، خدا داد علاءالدینی و شریف شریفی که شبانه روز بر سر کوره کار میکنند صحبت کردیم . آنها آجر را هزاری ۱۰ تومان

ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانید

بانک ملی ایران

تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۲۵۳۶۸

گمهای خود را

به حساب بانکی زیر

واریز نمائید:

زرگویی مباحرا به کارگران

هرچه کوره داران ثروت بیشتر و کوره های متعددتری داشته باشند بیشتر به کارگران فشار و زور میگویند مثلا ج آقا بی که ۳ تا کوره نزدیک هم دارد و با منت زیاده خا می برای

سند رسمی جمهوری اسلامی با صراحت...
بوضوح به این خطا اشاره میکنند و آنرا مستند میبازد و در عین حال آمادگی ایران را برای در هم شکستن متجاوزین اعلام میکنند که مردم در سطح ملی و بین المللی به این خطا است . بر عهده ما پسر ارگانهای مسئول مملکتی است که به تبعیت از این سیاست اصولی شرایط لازم را برای مقابله با هر گونه تجاوزی فراهم سازند .

کارگران و انقلاب

زور گوئیها، اجحافات و محرومیتها بعد از انقلاب همچنان باقی است

چرا شرایط کار و زندگی کارگران بهتر نشده است؟

در "رنجبر" شماره ۸۲ به انگیزهها و محرکهای کارگران برای شرکت در انقلاب اشاره کردیم و گفتیم که کارگران همچون سایر طبقات خلقی با این قصد در انقلاب شرکت کردند که از بار ستمی که بر دوش آنها سنگینی می کرد، کاسته شود و در جامعهی آزادی که پس از سرنگونی رژیم فاشیستی وابسته به امپریالیسم ایجاد می شود، نفس راحتی بکشند.

همچنین یاد آور شدیم که متأسفانه پس از گذشت حدود یکسال ونیم از پیروزی انقلاب، نه تنها از بار ظلم و ستمی که بر کارگران روا می شد کاسته نشده است، بلکه در مواردی این بار سنگین تر هم شده است. و برای نمونه از اخراجهای مستمر و لگام گسیخته های که در طی این مدت صورت گرفته است، نام بردیم. در این شماره سعی می کنیم با مراجعه به گزارشها و نامه هایی که در "رنجبر" به چاپ رسیده و واقعیت های دیگر به این سؤال پاسخ دهیم که: آیا پس از انقلاب، در شرایط و وضع کار و زندگی کارگران زحمتکش تغییری چشمگیر صورت گرفته است یا خیر؟

واقعیت های موجود نشان می دهد که شرایط کار و زندگی کارگران میهن ما پس از انقلاب دستخوش دگرگونیهای جدی نگردیده است و همان شرایط قبلی یعنی زور گوئیها، اجحافات و محرومیتها همچنان به قوت خود باقی است و حتی در مواردی هم شدت یافته است.

در زیر به چند مورد از این موارد متعدد که قبلا به صورت گزارش های مختلف در "رنجبر" منعکس شده است، اشاره میکنیم.

« قربان علی هاشمی »، کارگری که به دست کارفرما سبیلی خورده است، می گوید: « پس از آنکه حداقل دستمزد از طرف شورای انقلاب ۵۷۶ ریال تعیین شد، من که روزی ۳۰۰ ریال دریافت می کردم به کارفرما مراجعه کرده و خواستار ما به التفاوت دستمزد خود از فروردین ۵۸ شدم. کارفرما نه تنها بعد از چند بار مراجعه، حاضر به پرداخت مبلغ تعیین شده از طرف قانون نشد، بلکه در آخرین بار مرا سبیلی زده و گفت: من پول ترا نخواهم

بعدش خشک می شود و او انتظار داشت دیواری که ساخته شده خیس باشد. او بعد به استاد کار گفت اگر کارگری آجر خشک داد دستت بزن نوی سرش. (از یک نامه از آبادان، رنجبر " ۸۱)

و بالاخره، یک کارگر اخراجی جوش کار در نامه خود به "رنجبر" می نویسد: « من در این یک ماه که به اداره کار و وزارت کار مراجعه می کنم حقایق فراوانی دستگیرم شده و اتفاقات فراوانی را دیدم که تمام و کمال از همین قانون کار (قانون کار فرما) نتیجه می شد. . . چرا کمی به وضع ماها رسیدگی نمی کنند؟ قانون که همون قانون وزیر که کاری نمی کنه. کار فرما هم که فرقی نگرده. از ما هم که میخوان تولید بیشتر می کنیم. ما کارگرها رو هم دائما بیرون میکنند. ولی ما که در قبال این همه بدبختی چیزی که نخواستیم. زندگی، که تامین باشیم. همین و همین. ("رنجبر" ۵۰)

کارگران و شرایط خطرناک محیط کار

کارگران شرکت ساختمانی " چکش" در نامه ای به مطبوعات نسبت به عدم پیش بینی تجهیزات و شرایط ایمنی کار در کارگاه شرکت و تعطیل پی در پی کارگاه ساختمانی که از همین نقائص سرچشمه می گیرد، اعتراض کردند. این شرکت بارها به علت فراهم نبودن شرایط ایمنی مانند کمربند نجات، چوب بست و نور حفاظتی و همچنین نرده کشی دور پرتگاهها، تعطیل شده است. (رنجبر " ۴۴)

وسائل ایمنی در کارخانهها و کارگاهها منجر به مرگ کارگران زحمتکش شده است، اشاره می کنیم:

- بنا به گزارش خبرگزاری پارس بر اثر ریزش یک معدن سنگ گچ در شرق شهرستان برازجان چهار کارگر کشته و مجروح شدند. (رنجبر " ۶)
- یک کارگر دکل بند شرکت مخابرات ایران به نام علی میرزائی بر اثر سرما در کوهستانهای اطراف سر پل ذهاب جان سپرد. این کارگر جوان که بیش از ۱۷ سال نداشت هنگامی که همراه کارگران دیگر به محل کار می رفت در بین راه بر اثر سرما جان سپرد. (رنجبر " ۱۸)
- کارگر زحمتکشی به نام پایرام علی نامور که در کارخانه " برماپلاس " تبریز کار می کرد هفته گذشته در اثر انفجار دبگ بخار به شدت مجروح شد و برای معالجه به تهران آورده شد. متأسفانه این کارگر شریف در اثر شدت جراحات در بیمارستان به آور تهران در گذشت. ("رنجبر" ۳۰)
- کاکا علی اکبری، کارگر " شهرک اکیاتان " روز چهارشنبه ۷ اسفند در محل شرکت در اثر سقوط از کامیون مجروح شد که سه روز بعد در گذشت. در شهرک اکیاتان از بدو شروع عملیات ساختمانی تا کنون بیش از صد کارگر در حین عملیات و در مواقع دیگر کشته شده اند. اغلب حوادث منجر به فوت در این شرکت اساسا ناشی از نبودن وسائل ایمنی و بهداشتی رخ داده است. پس از انقلاب تا به امروز نیز ۴ کارگر در این شرکت جان خود را از دست داده اند. . . . وضع بد مسکن که اغلب کارگران در ساختمان های مخروب و نیمه ساز آن زندگی می کنند نیز باعث حوادثی گردیده است. کارگران از کارگری یاد می کنند که در اثر گازهای سمی

۱۶ نفر از کارکنان «چوکا» برکنار شدند

هیئت پاکسازی سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع ایران (چوکا) با انتشار اطلاعیهای اعلام کرد که ۱۶ نفر از کارکنان این سازمان را به اتهام اخلاص در کارخانه به انفصال دائم از کار محکوم کرده است!

" هیئت پاکسازی " مشخص نکرده است که منظور از " اخلاص در کارخانه " چیست؟ ولی هر چه هست این است که یک جریان نام سالم انحصار طلبی زیر پوشش " پاکسازی " به جان کارکنان فعال کارخانهها و مراکز تولیدی افتاده است و چماق " پاکسازی " وسیله ای شده برای تسویه حساب های شخصی، گروهی و عقیدتی و طرد عناصر " غیر خودی " از محیط های کار.

قبلا خبر محاکمه و محکومیت ۱۲ کارگر ایران ناسیونال مشهد توسط دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام " ایجاد اغتشاش " در کارخانه را داده بودیم. قبل از آن هم شاهد اخراج و حتی به زندان انداختن اعضاء و فعالین شوراهای کارگری در جاهای مختلف (سیمانکا، کاغذ سازی پارس، فاسترویلر، پالایشگاه آبادان و . . .) بوده ایم.

این گونه اقدامات ضمن اینکه درستی عمل این گونه " هیئت " ها را زیر سؤال می برد، نوهینی است به کارگران و کارکنان زحمتکش، و لذا جز ایجاد نفرت و خشم در همین کارگران و کارکنان غنیچه دیگری به بار نخواهد آورد.

بر اثر ریزش معدن گچ در نزدیکی اردکان چهار کارگر زحمتکش جان خود را از دست دادند

بر اثر ریزش تونل معدن گچ، ۴ کارگر معدنچی کشته شدند. این حادثه دلخراش در معدن گچ دهستان " عقدا " از توابع شهرستان اردکان واقع در ۱۰۰ کیلومتری شهرستان یزد بوقوع پیوست.

در پی این حادثه فرماندار شهرستان اردکان اعلام کرد تاکنون دو جسد از زیر آوار بیرون آورده شده و هنوز دو جسد دیگر

یکی از رانندگان به نام "بیوک (علی) مرادی" در مورد اخراج خود و اجحافات که از طرف کارفرما به او شده و بی توجهی اداره کار، حرف زد. او گفت: من برای "عجم عامری" کار می‌کردم. بعد از ۲ سال، انقلاب شد. از کار بیکارم کرد. رفتم اداره کار حقم را بگیرم. ۶ ماه دنبال شکایتم دویدم، گفتند رضایت بده. جلوی چشم خودم رشوه گرفتم. گفت بیابروسرکار، ولی هیچی بهم نداد. گفتم قرارداد بدینوسیله برای من و حقوقم را اضافه کنید و بیمه‌ام کنید، از دستم گرفت انداخت بیرون. الان کس دیگری رفته جای من. اعتراض کردم، ریختند روی من کتک زدند. حسابدارش زد توی دندانم، هنوز دندانم لقمه... بعد از انقلاب ۶ ماه کار کردم. من ۸ نفر را نان می‌دهم (رانندگان ماشین‌های سنگین راه‌سازی، "رنجبر ۷۲").

"فشار سرپرست بر کارگران شدید است... شرایطی که سرپرست تحمیل می‌کند غیر انسانی است. حتی برخی مواقع به کارگران اجازه نمی‌دهند برای صبحانه و نهار بروند، با وجود اینکه طبق "قانون نیم-ساعت برای نهار و نیم‌ساعت برای صبحانه وقت دارند... سرپرست می‌گوید: باید روزی ۸ ساعت کار کنی از ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر ۸ ساعت است. پس وقتی برای غذا خوردن نداردی." (زحمتکشان محله جوانمرد قصاب، "رنجبر ۷۱").

"با وجودیکه تعداد کارگران از ۱۰ نفر بیشتر است ولی کارفرما قانون کار را رعایت نمی‌کند، مثلاً کار از ساعت ۷ صبح تا ۷ شب است. حقوق هم روزانه ۶۳۵ ریال می‌دهند، در صورتی که حتی قانون کار هم ۶۳۵ ریال را برای ۸ ساعت تعیین کرده است نه ۱۲ ساعت... با وجودیکه برای ساعات اضافه کاری در روزهای معمولی باید مزد بیشتری پرداخت کرد ولی صاحب کار پولی برای اضافه کاری نمی‌دهد و در واقع روزانه ۴ ساعت از کارگران بیکاری می‌کشد. حتی پولی بابت یک ساعتی که برای صرف غذا به آنها مهلت می‌دهد، از حقوقشان کم می‌کند... از مزایا خبری نیست. کارفرما حتی حق مسکنی را که قانون طاغوتی کار معین کرده، نمی‌پردازد... (رنجبر ۷۸)."

"روز اول کنترات دهنده آمد و گفت دیواری که ساخته شده به آجرش آب نداده‌اند و باید آن را خراب کنید و دوباره بسازید. این بابا شعور نداشت که بفهمد زیر آفتاب داغ آجر را وقتی آب بدهی ۵ دقیقه

ساختناتی "پرزبان" شیراز کار می‌کند به خبر نگار "رنجبر" گفت: "تقریباً دو برابر حقوق از ما کار می‌کنند. در حدود یک تن آهن را در هر روز باید از هشت طبقه ساختمان بالا ببریم. از نظر ایمنی و وسائل کار در مضیفه هستیم... حتی یک چسب زخم هم نداریم. آمبولانس و یا یک ماشین در اینجا نیست که اگر کسی از طبقه هشتم به زمین پرت شد او را به بیمارستان برسانند" ("رنجبر ۴۴").

"در چیت سازی درجه رطوبت هوا بسیار بالاست (۸۰ درجه) و این برای آن است که نخها پاره نشود. گرد و خاک هم فراوان است. به این ترتیب کارگران همواره گرد و غبار نمناک نخ را تنفس می‌کنند. سر و صدا به قدری زیاد است که کارگران برای حرف زدن با بغل دستی مجبورند داد بزنند... کارگران از این شرایط جان سالم برای

دوران باز نشستگی بدر نمی‌روند. اغلب دچار سل، دیسک، رماتیسم و واریس می‌شوند، البته اگر در حین کار دچار سانحه نشوند... ("رنجبر ۷۱").

"محیط کار بهداشتی نیست... کارگران در پای ماشین‌هایی که حرارت زیاد تولید می‌کنند (برای ذوب پلاستیک) مجبورند در سالی بدون تهویه و در هوای گرم کار کنند. بوی تند مواد شیمیایی هم غذاب آور است. از وسائل ایمنی خبری نیست. حتی کارفرما لباس کار هم به کارگران نمی‌دهد... ("رنجبر ۷۸").

"کارخانه ایران فان: "در ایمن کارخانه از وسائل ایمنی خبری نیست. اغلب کارگرانی که با برق سرو کار دارند دچار برق گرفتگی می‌شوند. سقف کارخانه در اثر بارندگی چکه می‌کند و کارگران در محیطی نا مطمئن و غیر بهداشتی بکار مشغولند" ("رنجبر ۲۹").

"یکی از کارگران اخراجی "فارس چوب" انگشت قطع شده خود را نشان داد و گفت: "دستگاههای این کارگاه هیچ گونه حفاظتی نداشت. اگر کارگر ناقص می‌شد نه تنها معالجه‌اش به گردن خودش بود بلکه هیچ گونه حقوقی هم دریافت نمی‌کرد." ("رنجبر ۸۰")

حادثه در گهین کارگران نشسته است

در زیر به چند حادثه که بعلت نبودن

ماهی ۴۴۳ ریال مستمری به خاطر نقص عضو

در نامه یک کارگر به "رنجبر" می‌خوانیم که: "در اردیبهشت ۱۳۴۸ در کارخانه به علت نبودن حفاظ دستم از پائین مج به زیر اهره دستگاه فرسوز رفت. مرا به بیمارستانی در نزدیکی کارخانه که در داخل شهر تهران بود بردند و عمل پیوند را انجام دادند اما برای پیوند عصب مجدداً باید نحت عمل جراحی قرار می‌گرفتم... پس از آن نه تنها دستم بهتر نشد بلکه بدتر شد و حتی انگشت وسطی‌ام شکل قبلی خود را از دست داد (همچنین انگشت سبابه‌ام...).

پس از یکسال و نیم دوندگی و ادعای غرامت نقص عضو، سازمان بیمه‌های اجتماعی ۳۵٪ از کارافتادگی و ماهی ۴۲۳ ریال مستمری برایم تعیین کرد. طی ده سال گذشته بارها خواهان افزایش آن بر اساس حداقل دستنزد کارگری شده‌ام. چند روز پیش نیز به شعبه مربوطه مراجعه کردم گفتند طبق قانون سازمان بیمه‌های اجتماعی چون از کارافتادگی جزئی است مادام العمر همین مبلغ ۴۲۳ ریال پرداخت می‌گردد... در یکی از شعبه های سازمان تامین اجتماعی کارگران مراجعه کرده بود که بابت نقص عضو ۱۹ سال است که ماهی ۱۶۰ ریال می‌گیرد... سوال من از مسئولین وزارت کار،

سازمان تامین اجتماعی و... این است که ۴۲۳ ریال یا ۱۶۰ ریال در ماه در شرایطی که هزینه زندگی سرسام آور بالایی رود و این مبالغ که فقط شاید کرایه مراجعه به سازمان مربوطه می‌شود، چگونه می‌تواند کمکی به کارگری بکند که عضوی از اعضای بدن خویش را از دست داده است؟ آیا اینست معنی حمایت از کارگران و مستضعفین؟! ("رنجبر ۵۸")

عکس العمل کارگران

آنچه گفته شد فقط تصویری کوتاه از زور گوئی‌ها، اجحافات و محرومیت‌هایی است

علت بروز این واقعه را بی توجهی کارفرمای معدن گچ "عقدا" اعلام نموده است. بار دیگر کارفرمایی سودجو و جنا پنهانر داستان پلید خود را به خون زحمتکشان میهن ما آلوده است. کارفرمایانی نظیر مالک معدن "عقدا" در گوشه و کنار ایران فراوانند که

روستای ایراء (لواسانات)

برای بازگشت به روستا باید امکانات واقعی ایجاد شود

روستای ایراء یکی از دهات لواسانات است که در نزدیکی تهران قرار دارد. در این روستا که از نظر امکانات رفاهی و کشاورزی بسیار فقیر است، حدود ۱۲۰ خانوار زندگی می‌کنند. به تازگی یکی از خوانندگان "رنجبر" گزارش کوتاهی از این روستا فرستاده است که در زیر می‌خوانید.

"روستای ایراء در دامنه کوه قرار دارد و یک رود کوچک نیز از میان دره آن عبور می‌کند. خانه‌های مردم از جنس گل و قلیبی هستند و در صورت بروز حادثه‌ای نظیر زلزله همه آنها تبدیل به تل خاکی خواهند شد و چه بسا تلفات سنگینی بر مردم وارد آورد.

با وجود آنکه این منطقه بسیار سرسبز و خوش آب و هواست ولی نسبت به عمران و آبادی آن دیگر روستاهای این حوالی، نه در گذشته و نه در حال حاضر توجهی صورت نگرفته و نمی‌گیرند. این روستا در حال حاضر نه آب درست و حسابی دارد و نه برق و نه حمام، بهداشتی و نه جاده و اتوبوسی. فقط مسجد و تکیه ایراء یک موتور کوچک برق دارند که روشنایی این دو محل را تامین می‌کند.

مدرسه اینجا مدرسه‌های نیمه‌خراب است که تا کلاس پنجم دایر است. یکسال قبل به همت خود روستائیان منبع آبی در بالای تپه درست شد و به هر خانه یک شیر آب دادند ولی فشار آب کم است و مردم در مضیفه قرار دارند. پس از انقلاب مردم خود شروع به ساختن یک مدرسه و تکمیل یک درمانگاه نیمه تمام کردند که هنوز نیمه کاره است.

وضع بهداشتی روستا بسیار اسفناک است. حمام قدیمی ده که حمامی خزینه‌دار است، صبحها زنانه و بعد از ظهرها مردانه است. آب خزینه ساکن می‌باشد و هر دو ماه

هرچه زودتر مسیب این حادثه دستگیر و در دادگاه انقلاب محاکمه و به جزای اعمال ننگین و ضدکارگری خویش برسد و از جانی دیگر بقوریت باید نسبت به تامین زندگی خانواده این کارگران شهیدا تسدما م شود.

یکبار عوض میشود و بروشنی پیدا است که چه خطراتی را برای اهالی ایجاد میکند. مردم شستشوی لباس و ظروف غذا را در جوی آبی که پر از لجن است، انجام میدهند. پشه و مگس بقدری زیاد است که آسایش روستائیان را سلب کرده است.

از نظر امکانات کشاورزی مانند تراکتور، تریلر، وسایل سمپاشی و... نیز روستائیان با مشکلات زیادی روبرو هستند. وجود این مشکلات و بی توجهی مسئولین و سیاستهای ضد مردمی رژیم گذشته که بخاطر منافع اربابان خود فقر و بدبختی را بر مردم تحمیل میکرد، بسیاری از جوانان روستا مجبور شدند که به شهرها بروند.

حالا بعد از انقلاب، دولت جمهوری اسلامی باید موجبات تشویق جوانانی که به شهرها مهاجرت کرده‌اند را برای بازگشت به روستا، فراهم آورد. دولت باید پاسخگوی خواست جوانان پرشور و روستائشی باشد تا آنان در جهت پیشبرد امر خود کفائی و تولیدات کشاورزی، نیروی خود را به کار اندازند. بنابراین احتیاجات اولیه روستائیان مانند: آب، برق، حمام بهداشتی، درمانگاه، مدرسه، باشگاه ورزشی و وسائل کشاورزی باید هرچه سریعتر فراهم شود تا جوانان علاقمند به بازگشت به روستا و روستائیان نیز دلگرم به تولید بشوند.

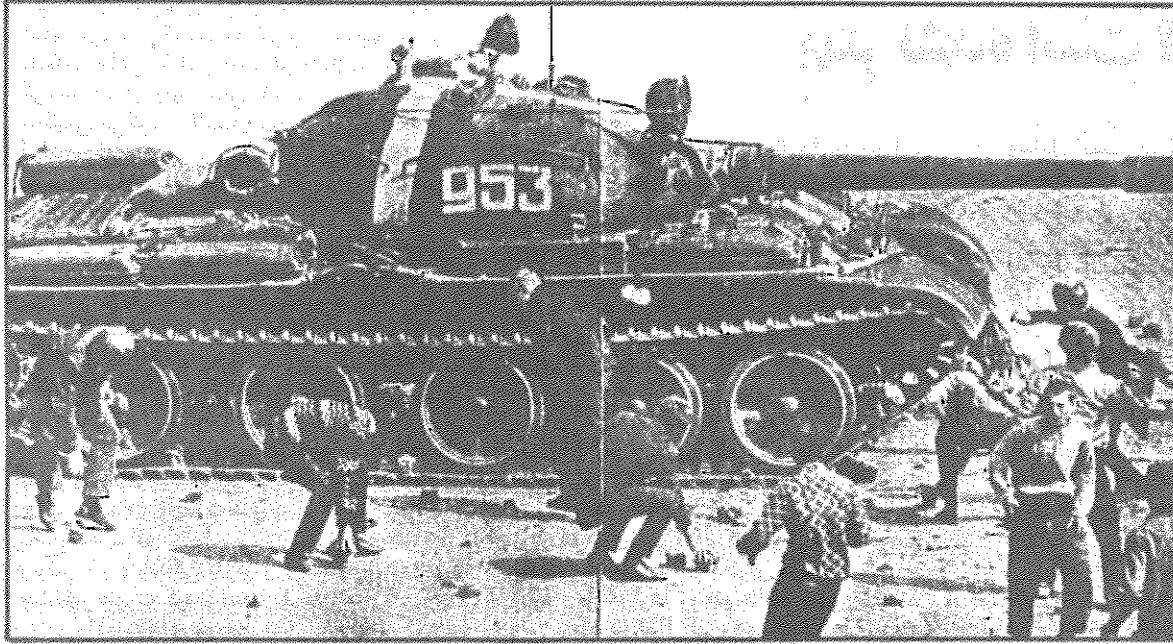
نیاید فقط شعار بدهیم و تشویق و تبلیغ خشک و خالی بشود، بلکه باید تبلیغات و شعارها واقعی و دست‌یافتنی باشند و آنچنان باشد که این شور عظیم روستائیان به خدمت خودکفایی میهن ما و ایستادگی و مبارزه با سلطه‌گران شرق و غرب درآید.

مرگ بر ابرقدرتهای شرق و غرب، زنده باد ایرانی مستقل و منکی بخود.

بمناسبت دوازدهمین سالگرد اشغال چکسلواکی توسط ارتش روسیه

از پراگ تا کابل

از ظهور در صحنه بین المللی به عنوان یک کشور سوسیال امپریالیستی تا تهاجم نظامی برای سلطه بر جهان



پراگ - ۱۹۶۸ - عده ای با سنگ و آجر به تانک های اشغالگران روسی حمله کرده اند. از همان ساعت اول جنش مقاومت شکل میگیرد.

تا نگیای شوروی به پراگ بهیچ وجه نشان نبرومندی سوسیال امپریالیسم شوروی نبود بلکه در ست آغاز اضلال و بوسیدگی سریع امپریالیسم شوروی را نشان داد، ورود سپاهیان روس به افغانستان نیز نشان میدهد که فاشیسم شوروی کسه ندر با طلاق عمیق افغانستان فرورفته است، دیگر نمیتواند از آن در آید. سوسیال امپریالیسم شوروی با توسعه طلبی غارتگری و تها و زبه جهان سوم بطور اجتناب ناپذیری خود را در مقابل خلقهای جهان بویژه جهان سوم قرار داده است. در حال حاضر که روسیه سوسیال امپریالیستی به بزرگترین کشور خطر جنگ جهانی سوم تبدیل شده است هر اندازه که مقاومت و مبارزه علیه سرکرده گرای شوروی و سلطه امپریالیستی آن رشد نماید جنگ

المربیع علمی رئیس جمهور استقلال طلب یمن جنوبی را سرنگون ساخت و به قتل رساندند و با سرکار آوردن فتوح اسامیل، یمن جنوبی را به پایگاه عظیم خود در طریق فارس و اقیانوس هند تبدیل کردند. در همین مدت، شوروی بیلا - ناصله پس از تکت و خروج آمریکا از ویتنام و سایر کشورهای هندوچین ویتنام را به پایگاه خود تبدیل نموده و از آن به بنا به یک سلطه طلبی منطقه ای برای توسعه طلبی جهانی خود استفاده میکند. ویتنام در مدت کوتاهی لائوس را به مستعمره "رسمی" خود تبدیل میکند و کامبوج دمکراتیک را پس از چند حمله و تهاجم سرانجام توسط ۲۵هزار سرباز در تاریخ ۱۳۵۷ به اشغال نظامی خود در میاورد.

کشورهای جهان سوم اشغال شده و بار بار گرفته است. از نفوذ و رخنه تدریجی اقتصادی و سیاسی گرفته تا اشغال غیرمستقیم آفریقا، کودتا، جنگ داخلی و یا تجزیه مستقیم و غیرمستقیم: پس از اشغال چکسلواکی و در اوائل دهه ۷۰، شاهدیکسری کودتاهای موفق و ناموفق روسیه در کشورهای جهان سوم هستیم، در سودان علیه جعفر نمیری در سال ۱۳۵۰، سپس در سیلان (سری لانکا)، و در سال ۱۳۵۲ کودتای داود خان علی محمد شاه در افغانستان. در سال ۱۳۵۲، شوروی با ایجاد جنگ داخلی و گسیل دهها هزار نفر از ارتش مزدور کوبا به آنگسولا توانست این کشور را به یک مستعمره تحت اشغال سربازان کوبایی و نظامیان شوروی تبدیل کند.

اما تزارهای نوین که اهداف استراتژیک سلطه بر جهان را در سر میبروراندند نمیتوانستند در روسیه را مستقل از سیاست های خود در اردوگاه سوسیالیسم "خودتعمیل" کنند.

برتری نظامی

بر قدرت شوروی در عرض ۱۶ سال گذشته با تمرکز در تولید وسایل نظامی و تقویت ارتش زمینی نیز در دریایی و هوایی بودجه سنگینی صرف تدارک برای تهاجم جهانی نموده است. روسها بودجه نظامی خود را از ۹۱ میلیارد دلار به ۱۶۲ میلیارد دلار در طی این مدت افزایش دادند که نرخ رشد آن معادل ۸ درصد در سال میباشد. در صدر رشد بودجه نظامی آمریکا در همین سالها معادل ۳ درصد در سال بوده است. شوروی بودجه نظامی خود را از ۲۷ میلیارد تا ۱۲۲۴ میلیارد در سال ۱۳۵۷ رسانیده و در حالیکه بودجه نظامی آمریکا به ۳۸٪ از تولید ناخالص ملی کاهش یافت. افراد مسلح ارتش شوروی در سال ۱۳۵۸ به ۲/۴ میلیون نفر رسید در حالیکه افراد مسلح ارتش آمریکا در همین سال ۲/۱ میلیون نفر بوده است. در نتیجه تمرکز و وسایل نظامی، امروزه شوروی در تمام زمینه های نظامی با ستشنا کلاهک های اتمی از آمریکا جلو زده است. هم اکنون بر مبنای نظریات رشتا سان نظامی غرب برتری نظامی شوروی به آمریکا صحنه نظامی جهان را یکسوی خود امپریالیسم شوروی تغییر داده است.

سلطه بر نقاط کلیدی

نگاهی به نقشه جغرافیای نشان میدهد که در این مدت مناطقی که شوروی در جهان سوم بر آنها جنگ انفاخته است، به هم وجه دارای موقعیت شما دفر، نبوده، بلکه

اما تزارهای نوین که اهداف استراتژیک سلطه بر جهان را در سر میبروراندند نمیتوانستند در روسیه را مستقل از سیاست های خود در اردوگاه سوسیالیسم "خودتعمیل" کنند.

از نقطه نظر تاریخی با اشغال نظامی چکسلواکی در سال ۱۹۶۸، روسیه بطور رسمی بصورت سوسیال امپریالیسم روی صحنه بین المللی ظاهر میشود، چکسلواکی اولین قربانی و طعمه استراتژی امپریالیسم روس برای تسلط بر جهان بود.

مارکس صدسال پیش لزایم در افشا سیاست تجا و زی روسیه تزاری گفت: "روسیا، تا کنون کسب و کارها پیش ممکن است تغییر کند، اما ستاره زانهای این سیاست - یعنی تسلط بر جهان - هرگز تغییر نخواهد کرد." (سخنرانی در جلسه هیئت نمایان مقیم لندن) تزارهای نوین نیز با بنسای بدرا نشان گذارده اند، ستاره را در تمام قطب های آنان نیز تسلط بر جهان و تسخیر آن است.

ارکان تدارک سیاست تهاجمی روسیه

ارکانشال نظامی چکسلواکی در دوازده سال پیش تظا هرورسیت یافتن حمله امپریالیستی روسیه بود، اشغال کشورها به برادر افغانستان توسط این ابرقدرت در سال ۱۳۵۸ نشانگر آغاز تهاجم نظامی و بیاباد نمودن نقشه های استراتژیک سلطه بر جهان این ابرقدرت میباشد. اشغال نظامی افغانستان که نخستین دخالت نظامی مستقیم و گسترده شوروی در یک کشور چکسلواکی است و بر مبنای "استراتژی

امروز پنجشنبه ۳۰ مردادماه معاد است با حال روز اشغال کشور چکسلواکی توسط ارتش روسیه و چهار کشور دیگر پیمان ورشو.

دوازده سال قبل در جنین روزی خیابانهای پراگ، قلمب چکسلواکی، ملوان تانک ها، زره پوشها و سربازان روسی و متحدان شد. شهروندان پراگ سراسیمه بخیا با تها ریختند تا علت حضور ارتش های بیگانه و اشغالگرا در میهن خود جویا شوند.

مردم بمشاوران و اکنسش به مقا بله پرداختند. عده ای با سنگ و آجر به تانک ها و زره پوشها حمله کردند و عده ای دیگر با تفیر تمام اشغالگرا را در گم کردند. جنش مقاومت در همان ساعت اول اشغال با زماندهی شدوحتی توانست ایستگاه رادیویی مخفی خود را به قرار سازد.

برای مردم پراگ بخصیوی آنها نیکه سن تر بودندا شمسال کشورشان توسط ارتش های بیگانه تازگی نداشت. آنها بی سسال پیش از آن نیز (۱۳۱۷) شاه تها و ز بیگانگان به میهن خود بودند. تنها تها و ز در این بوده آن بهار در مهر ماه ۱۳۱۷ ارتش آلمان هیتلری بوده در خیابانهای پراگ جولان میداد در حالیکه اینبار یعنی سال بعد سربازان روسیه سرزنی بودند که در پراگ رژه می رفتند.

سردمداران گرملین در روز های قبل از اشغال برای فریب رهبران دولت چکسلواکی وانمود کرده اند که اختلافات موجود ما بین چکسلواکی و شوروی قابل حل است. و آنها تا مداخله و فصل این مسئله اند. اما این یک مانور بیشتر نبود. زیرا روسها متعاقب این اظهارات به بهانه ترمین نظامی چند صد هزار سرباز در مرز چکسلواکی مستقر و سپس در یک حمله برق آسا از طریق هوا زمین در فونی ش ساعت اکثر مناطق استراتژیک چکسلواکی را اشغال و در مدت ۳ روز کشور را به

دست نشانده را بروسکا را آوردند. ولی گناه مردم چکسلواکی چه بود که این همه مورد غضب وی مهربی "برادر بزرگ" قرار گرفته بودند؟ از نظر کرملین بزرگترین گناه مردم و دولت چکسلواکی در این بود که میخواستند مستقل باشند و سرنوش خودشان را خودتعمین کنند.

مذاکرات ۱۵ روزه در زمینه همه مسائل و مذاکراتی ده ساله که از اکتوبر چکسلواکی آغاز گشت، با پایان رسیده و مرحله نوین تکامل یافته ای در سیاست مداخله جویانسه و جنگ افروزانه شوروی آغاز گشته است. سیاست شجاعی شوروی در

بروسکا را آوردند. این گناهی که بر سرشراه این و راههای نفتی و دریایی قرار گرفته اند، راههایی که این ساده حیاتی انرژی زار از جهان سوم به سوی غرب و در درجه اول اروپا و ژاپن هدايت ميکنند. شوروی برای تسلط بر این

سلطنتی آتیوی، شوروی سرهنگ منگیتو هیل مریم را ترغیب کند به کودتا نمودن و با تصفیه و کشتار صدها هزار رنفر مخالف و مبارزان تیویپی این کشور را تحت سلطه کا مل خود در آورد. در تیر ماه ۱۹۵۷، عمل شوروی

استقیم افغانستان نشان داد که سالهای ۸۰، دوره تهاجمی جدیدی است در حیات سوسیالیستی امپریالیسم جنگ افروز آغاز مرحله نوینی از تعارض نظامی شوروی در سطح جهانی. ولی همانطور که ورو د

اتحاد جهان سوم علیه ابرقدرتها و علیه استراتژی جنگی سوسیالیستی امپریالیسم مهاجم روس تا قوس جنگ افروزی و توسعه طلبی را برملا در میاورد.

مختصری در مورد تاریخچه مبارزات کارگری در لهستان

در طول یک قرن اخیر، کارگران لهستان با رها برای حقوق دمکراتیک سیاسی خود به مبارزه و اعتصاب دست زدند.

در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۵۶، پس از شکست مذاکرات میان کارگران اعتصابی کارخانه "زیبو" و دولت شورشی متصدی در شهر "پوزنان" برپا میبود که با سرکوب خونین حکومت مواجه میگردید. در این سرکوب، طبق آمار دولتی، ۴۸ نفر کشته و ۲۷ نفر زخمی میشوند. بدنبال آن، در ماه اکتبر همان سال "گومولکا" بر سر کار میاید و وعده "گومولکا" "موراها" کارگری، "خودگردانی" و "لیبرالیسم" را میدهد. لکن این وعده ها هم توالی از آب در میآیند.

در تاریخ دسامبر ۱۹۷۰، کارگران و مردم لهستان که در طول بیش از ده سال هیچ اقدام مثبتی به سود خود از جانب دولت ندیدند و نیز تحت تاثیر واقعه اشغال چکسلواکی توسط ارتش شوروی، بتدریج دوباره سر بلند میکنند. اقدام دولت مبنی بر افزایش قیمت مواد غذایی در آستانه عید نوئل ۱۹۷۰، چرخه به انتابار باروت میزند و باعث انفجار رخشم مردم و برپایی شورشهای متعددی در بنسادر مختلف ساحلی دریای بالتیک بویژه در بندر "دانسک" (دانزیک سابق) میگردد. در جریان این مبارزات مردمی، برای اولین بار "کمیته های کارگری" که نهاد مستقل کارگری هستند بوجود آمده و در برپا بردن مبارزات قد علم میکنند. این مبارزات باعث سقوط گومولکا و روی کار آمدن "ادوارد گیکر" و لغو تصمیم دولت مبنی بر افزایش قیمت ها میگردد و به کارگران نشان میدهد که در صورت داشتن اتحاد و پیگیری در مبارزه قادر به کسب پیروزی هستند.

در تابستان سال ۱۹۷۶،

گیرگ در مدت زمان که بر سر قدرت بود، با اتخاذ یک سیاست ضد مردمی در داخل و یک سیاست وابستگی نسبت به روسیه و غرب، تفاها را تشدید نمود. (لهستان در این مدت تنها ۱۹ میلیارد دلار به آلمان غربی مقروض گردید). در نتیجه ناگزیر گردید بارجران را با ردیگر بر دوش کارگران بیندازد و تصمیم به افزایش قیمت ارزاق عمومی گرفت. در این اقدام ضد مردمی دولت، کارگران در شهرهای مختلف بویژه در "ورسو" و "رادم" دست به اعتصاب زدند. این اعتصابات با سرکوب خشن حکومتی مواجه گردید. بدنبال این اعتصابات روشنفکران آزادی خواه "کمیته دفاع از کارگران" را تشکیل میدهند و با مبارزه متحد خود با کارگران موفق به آزاد سازی کلیه کارگران میشوند که در جریان اعتصابات دستگیر و محاکمه و محکوم شده بودند. این کمیته پس به "کمیته دفاع از حقوق اجتماعی: تبدیل میگردد و اقدام به انتشار نشریات و کتب غیر قانونی می نماید و اخبار مبارزات کارگری را، حتی قبل از اینکه خود مقامات لهستانی از آنها مطلع بشوند، با اطلاع افکار عمومی میرساند.

بدین ترتیب، امواج متعددی مبارزاتی کارگران لهستان یک چیز را بر مقامات دولتی روشن میسازد و آن اینست که سرکوب پلیس و عهد عمل نه تنها نمیتواند مانع این مبارزات گردد بلکه برآدمه و عمیق آنها و همچنین بر استحکام اتحاد کارگران و رشد تشکیلاتی و سیاسی جنبش آنها می افزاید. بدین خاطر است که در برابر موج کنونی مبارزات کارگری، دولت سیاست متفاوتی را مبتنی بر نرمش "مذاکره" اتخاذ میکند. اما این سیاست

همچنانچه خواهیم دید نمیتواند کاری از پیش ببرد.

جنبش کنونی کارگران لهستان و رشد سیاسی آن

جنبش کنونی نیز از همانجا آغاز شد که جنبشهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ یعنی از اعتراض علیه افزایش قیمت ارزاق عمومی که تصمیم آن توسط "ادوارد گیکر" در آغاز ماه ژوئیه اتخاذ گردید. ادوارد گیکر آنست که در ماه فوریه توسط گیرگ و بنا به تحمیل مکتوبه نخست وزیری منصوب شده بود، تصمیم گرفت راه آزموده پیشینیان خود را دنبال کند یعنی با برحران و تقاضای خارجی را بدوش کارگران بیندازد و قیمت ارزاق عمومی را بویژه گوشت را (که بسیار رشدت یافته است) افزایش دهد. در مقابل، کارگران نیز تصمیم گرفتند به همان جوابی را دهند که به پیشینیان اوداده بودند، یعنی اعتصاب کارگری. در شهرهای مختلف در صنایع اتومبیل سازی ورشو، در "دانسک" و "جیو" شمال کشور در "میلسک" (جنوب شرقی) در "استالسوا وولا" نزدیکی لوبلین (در شرق)، همه جا کارگران دست به اعتصاب منظم و یکپارچه زدند لکن ما نتوانستیم قبیل از تظاهرات خشن خیابانی خودداری گردند. مرکز اصلی اعتصاب در شهر ۲۰۰ هزار نفری لوبلین (واقع در جنوب شرقی کشور) بود که تمام کارخانه ها و موسسات صنعتی آن در اعتصاب فرورفتند

از جمله مراکز مهم دیگر اعتصابی، منطقه شهر "لودز" واقع در مرکز لهستان است که مرکز صنایع نساجی بوده و کارگران کارخانه های آن عمدتاً زنان هستند. در مجموع حدود ۲۰۰ کارخانه و موسسه صنعتی را اعتصاب فرا گرفت. این اعتصابات عمدتاً خواستهای اقتصادی مبنی بر افزایش دستمزدها و افزایش قیمت ها داشتند، لکن اعتصابیون همچنین خواستار انتخابات آزاد سندیکایی بودند.

در مقابل این اعتصابات دولت کارگران را از حاضریه مذاکره گردید، عقب نشینی های موهمی صورت داد، از جمله با افزایش ۱۱٪ دستمزدها کارگران اعتصابی لوبلین. دولت بجزای فریب کارگران و فروتنی نکردن جنبش مطالباتی آنها حتی دستمزدها کارگران اعتصابی را بیشتر از کارگران غیر اعتصابی بالا برد. لکن، این عقب نشینی موزرانه دولت، کارگران را به نیروی اتحاد خود بیشتر امیدوار نشان داد و به گسترش و بخصوص تعمیق مبارزه خود تشویق نمود، بخصوص که دولت به موازات این عقب نشینی دست به اقدام سرکوبگرانه ای زد که ماهیت حقیقی آن را برملا نمود و خشم کارگران را برافروخت. این اقدام، با خروج خانم "آنا والنتینویچ" از کارخانه کشتی سازی دانسک بود. این کارگری از فعالین و رهبران جنبش کارگری و از بنیانگذاران کمیته های اعتصابی سال ۱۹۷۰ است. دولت با اخراج او میخواست به جنبش کارگری ضربه شیدی وارد آورد. بدین ترتیب ۱۷۰۰۰ کارگر کشتی سازی دانسک در روز پنجشنبه ۱۴ اوت وارد اعتصاب شدند و علاوه بر خواسته های اقتصادی و خواست بازگشت رهبران خراجی خود خواست "انحلال سندیکا های کنونی و پسته به دولت و ایجاد یک سندیکای

آزاد" را مطرح در خواسته های خود گنجانندند. بلافاصله را نندگان و ساخط نقلیه و شوفرهای تاکسی نیز به اعتصاب آنها پیوستند. دولت در اینجا نیز برای جلوگیری از رشد جنبش در چند زمینه عقب نشینی کرد: با کاهش زن اخراجی بسه کارخانه ها زگردانه شدوی بکمیته کارگران برای مذاکره با دولت پیوست، دولت قبول کرد یک بنای یادبود کارگران شهید شورهای ۱۹۷۰ را برپا کند و تعهد کرد هیچگونه اقدام سرکوبگرانه علیه کارگران اعتصابی انجام ندهد و اخبار اعتصابات از تلویزیون پخش گردد. لکن کارگران فریب این عقب نشینی های دولت را نخوردند. خواست های آنها انحلال سندیکا های فرما یی و ایجاد سندیکا های مستقل و آزاد کارگران است و جنبش مطالباتی آنان بیش از پیش رنگ سیاسی بخود میگیرد. دولت با شناختن گساره از کارگران دانسک در کارخانه که گومولکا را در سال ۱۹۷۰ قاط کردند و گیکر را در سال ۱۹۷۶ شکست دادند از یکسوم میخواستند آنها همچنان مذاکره را ادامه دهد و با آنها در ترمیق و بخصوص سیاسی شدن جنبش جلوگیری کند.

مسأله ما دستمزدها نیست، بلکه خود مختاری ملت ما است

لکن تلاشهای دولت بیجهت است، جنبش سیاسی میشود و بیش از پیش رنگ استقلال طلبانه بخود

میگیرد. یک خبرنگار غربی از لهستان گزارش میدهد که کارگران میگویند: "مسئله ما دستمزدها نیست بلکه خود مختاری ملت ما است". هم چنین بنا به گزارشهای خبرگزاریها در همان آغاز اعتصاب کارگران دانسک، تظاهرات بزرگی در ورشو با شعار "آزادی و استقلال" علیه شوروی برپا شده است. در این تظاهرات، یکی از سخنرانان چنین گفت: "قدرت های بزرگ نمیتوانند بکدیگر را در هلیسینکی و بلگراد و مادرید ملاقات کنند ولی تا زمانی که در این مذاکرات بجای نمایندگان دولتها که بر ملت ها تحمیل شده حضور دارند، آزادی و استقلال یک بند انگشت نیز به جلونخوا هدر رفت."

از طرف دیگر، اعتصابات بخشی از مبارزات به شوروی را به مخاطره انداخته است و دولت در اعلامیه ای به گناهیها اشاره کرده است: "رفسار اعتصابیون باعث نگرانی دوستان لهستان (بخوانید شوروی) گردیدند است". "رادویو نیز ضمن پخش اعتصابات مرتباً علیه "عنا مرعضا انقلاب و ضد سوسیالیستی" که بدرون جنبش کارگران نفوذ کرده اند هشدار میدهد. ادوارد گیکر نیز از آغاز و چگیری جنبش در مسکو سوسر میبرد، اما توانست دولت و چگیری کارگران اعتصابی خط تهاجم و مداخله مستقیم نظامی شوروی و تکرار تجربه ای از تسبیح چکسلواکی سال ۱۹۶۸ را امکان پذیر می سازد. لکن کارگران و مردم میارز لهستان از اتحاد و مادگی تشکیلاتی و رزمی برجستهای بسر خوردند و در خواهند بود در برابر اشغالگران مقاومت را سازمان دهند. آنچه از هم اکنون قطعی است، پیروزی بزرگ جنبش کارگری لهستان در ترمیق موجودیت مستقل خود به دولت و به گری نشان دادن حق اعتصاب میباشد، و این پیروزی در سراسر اروپای شرقی استثنائی است و مشت محکمی است در برابر نظام سوسیالیستی که مسکو میگوید سراسر اروپای شرقی تحمیل کند.

در عین حال مبارزات گسترده کارگران لهستان ماهیت پیوسته و ضربتی پزیر سوسیالیست را قشیم را عربستان میسازد. دیر نیست روزی که طبقه کارگر قهرمان در کشورهای اروپای شرقی و بالاخره در خود شوروی در پیشانی خلفهای این کشورها در راه انقلاب پیروز مندرخشان قدم گذارد.

افغانستان: یکپارچگی در جبهه انقلاب، فروپاشی و تفرقه در صفوف ضد انقلاب

رویدادهای اقتصادی

۸ شرکت بزرگ حمل و نقل به مالکیت دولت درآمد کامیونهای مصادره شده را به رانندگان واگذار کنید

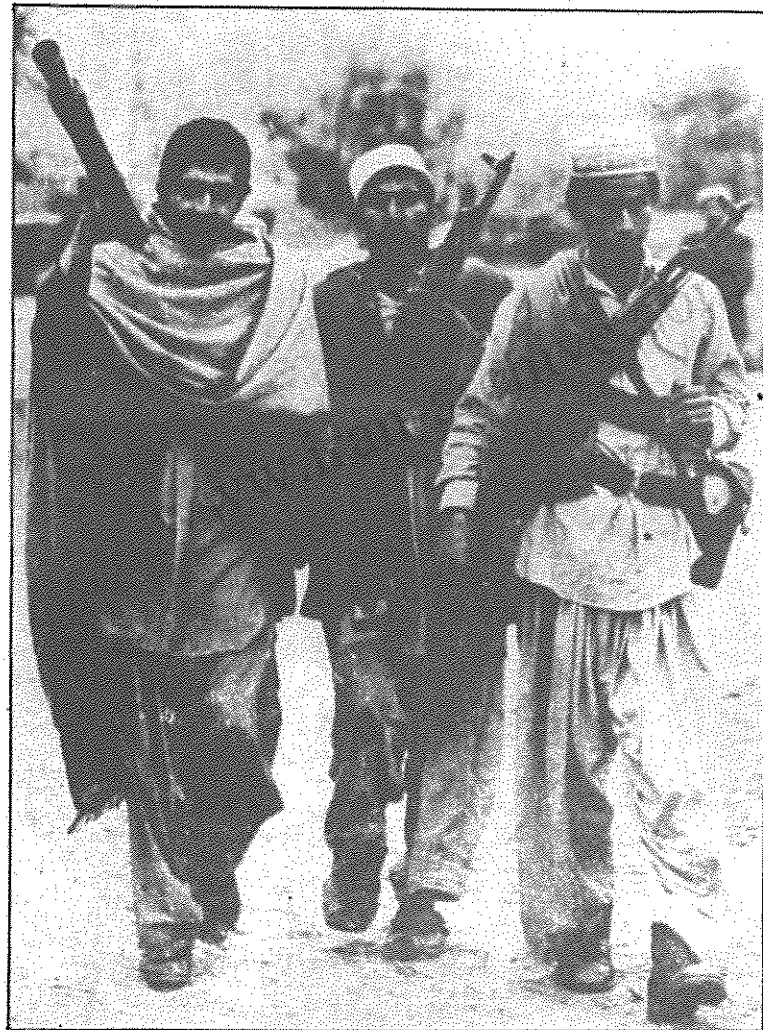
دولت مالکیت ۸ شرکت بزرگ حمل و نقل با ۴ هزار رکا میون را که متعلق به سرمایه داران وابسته بود در دست گرفت. با گذشت ۱۸ ماه پس از پیروزی انقلاب و به روی کار آمدن یک حکومت ملی هنوز تکلیف بخش مهمی از شرکت های بزرگ حمل و نقل روشن نشده است. این ۸ شرکت به دولت وزارت بازرگانی نزدیک به ۱۱ میلیون ریال بدهکار بودند. مالکیت و اداره این شرکتها را دولت به ما زمان گسترش خدمات بازرگانی، سازمان غله و سازمان قند و شکر واگذار خواهد کرد.

این ۸ شرکت که همگی از بزرگترین شرکتها در بارهای پهلوی تا سیس و گسترش یافته بودند، بدون تردیدی با بستن میلی پیش از اینها معا در اختیار ملت قرار می گرفتند. اما پس از انقلاب بنیاد مستضعفین مالکیت و اداره بعضی از آنها را به همراه تنی چند از مدیران در دست گرفت. در این ۱۸ ماه فرصت خوبی برای بقیه آنها هم شده تا با نقل و انتقالات حساب سازیه، خرید و فروشها، تا حد امکان شرکتها را به ورشکستگی بیشتر سوق دهند و دست آخر به دولت واگذار کنند. بعضی از این شرکتها مانند "تهران - خرمشهر اکسپرس" تا ۲۶۰۰ برای سرمایه به خود وا گرفته بودند؛ یعنی کاری که در سرتاسر دنیا اگر بهی نظیر نباشد کم نظیر است. امری که نشان دهنده سلطه بلافاصله سرمایه داران بوروکرات و وابسته بر مین ما میباشند. شرکت "ساریانها" نیز با ۵ میلیون تومان سرمایه به ۲۲ هزار سرمایه به اش وا گرفته بود؛ اما احتساب این بدهکاریهها، هرکدام میون برای دولت ۶۰۰ هزار تومان تمام شده که هم اکنون هرکدام بیش از ۴۰۰ هزار تومان نمی ارزد.

در شرایطی که بسیاری از رانندگان با بدهی بزرگ ربه و هیچگونه مالکیتی ندارند و در شرایطی که همه میدانند دولت بهیچوجه و مطلقا به هیچ وجه قادر به اداره و سرپرستی آنها نیست، چون حمل و نقل آنهاست که برای باصداها و هزاران کامیون نیست، آیا دولتی شدن این شرکتها درست است؟ اداره و سازمان دادن امور شرکت های حمل و نقل از بزرگترین رشته های فعالیت اقتصادی است و بنیاد زنده تهر، پیشکار و کارکنان فراوان دارد. آنوقت با این خصوصیات که هیچگاه اش را دستگا های دولتی مانند آن، معلوم نیست چگونه دولت میخواهد با این بوروکراسی کند کار و با سود رساننده استخدا میکند، کارها را حمل کند و دست آخر ضرر رهم ندهد!

در حالیکه بهتر است دولت کامیونهای این شرکت های وابسته را در درجه اول به رانندگان و کامیونداران خرده پا و در درجه بعد به دیگر کارکنان رانندگان و وابسته واگذار کند تا هم از عریض و طویل تر شدن دستگا های اداری خرید جلوگیری کند، هم سلامت و سودآوری حمل و نقل را تضمین کند و هم از این راه به رفاه و زحمت کشان این رشته یعنی رانندگان و خرده مالکها یاری رساند و بمعنای واقعی حمل و نقل را به خدمت رانندگان دولتی کشور در آورد.

روند دولتی شدن آنها که با سرعت و حشتناکی در تمام بخشها به جلو میرود بدون شک بیماری اقتصادی را باعث خواهد شد. عدم ثبات سیاسی نبودن امنیت قضائی و نا روشنی برنا به اقتصادی دولت عامل اصلی گریز از سرمایه گذاری در میان اقشار ملی است. گسترش مالکیت دولتی به همراه تضعیف بخشهای خصوصی و تعاونی چیزی جز "قرز بالا قوز" برای اقتصاد بیما رور و به ورشکستگی ما نخواهد بود.



مجا همدین افغانی: پیش بسوی ... وحدت!

رشد و گسترش پیدا کرده و انسجام بیشتری پیدا کردند در این صنعت نیروهای وابسته و خود فروخته در افغانستان بعکس دجا رتشت است، تفاتی، جنگ و با لخره اضمحلال بوده است. در ماههای اخیر بویژه در ماه جاری جناح های حزب حاکم یعنی "خلق" و "پرچم" بجان یکدیگر افتاده و در کجوه و خیابان همدیگر را در می کنند. بزرگ کارمندان سردمدار دار و دسته "پرچم" تاکنون تعدادی از مقامات عالی رتبه دولتی متعلق به "خلق" را برکنار، دستگیر و تیرباران کرده است.

در اردیبهشت ماه گذشته فرماندهان هفت واحد ارتشی مستقر در پادگانهای اطراف کابل از تصمیم بزرگ کارمندان شریه تعویض شان توسط افسران "پرچمی" سرپیچی کردند. اما ستانداران نگارها که "خلق" است، نیز فرمان بزرگ کارمندان مینتی برکنار رهگیری را رد کرد. گلاب زونی وزیر داخله و وطن یا روزی را ارتباطات که از همسران "خلق" هستند نیز از کار برکنار شدند. در اوخر ماه ژوئیه (مرداد) لشکر چهاردهم افغانستان مستقر در غزنی که در صد کیلومتری جنوب غربی کابل واقع شده است بر علیه دولت شورش کرده و به مجاهدین پیوستند. با طولانی شدن حضور نیروهای روسی در افغانستان سرکوبی و گستاخندگی مردمی دفاع و بیگانه افغانستان از آنها ای توده ای اعضا وحشی کارهای پائین جناح "خلق" پی به ما هیت فاشیست های روسی و خیانت خود برده و بی مشرف مجاهدین می پیوندیدند.

در جلسه ای که هفته پیش را جبهه جناح "خلق" از طرف "پرچمی" هما بر گزار شد گروهی از اعضا "پرچم" با حضور ارتش اشغال گز روس در افغانستان مخالفت کردند. عده ای دیگر از اعضا "پرچم" کارتهای عضویت خود را در اعتراض به سرکوب خونین دانشجویان و دانشجویان و دانش آموزان از طرف رژیم خود فروخته بزرگ کارمندان پار کردند.

رویه گرفته نیروهای انقلاب رشد، گسترش و استحکام یافته و نیروهای مزدور سر برده ربه ضعف و تلاشی گذاشته است و این

اکنون قریب هشت ماه است که ارتش تاجوزکار روس کشور افغانستان را اشغال کرده است. ارتش مد هزار نفری و تا بدندان مسلح سوسیالیست امپریالیسم روس در عرض این مدت چه کار کرده است. ملت مستعبد و محروم بنیاد شدند، جبهات ها و شقاوت ها که در حق این مردم مظلوم و تشنه استقلال روا نداشتند. اما علیرغم این کشتارها و سرکوبها جبهه مقاومت خلق و نیروهای سرکوبگر و سر برده در طی این مدت دور و نزدیک و متضاد را طی کرده اند

۱- تشدید مبارزه نزدیک و وحدت لیر و های مقاومت

حضور نیروهای اشغال گز روس و سرکوب جنبش مقاومت نه تنها به کنترل کابل افغانستان توسط کرملین و تضعیف مبارزین نیانجامد بلکه با تشدید فاشا ر و وحشیگری ارتش بیگانه، گروهها، سازمانها، طبقات میهن دوست و قبایل مختلف افغانستان بیشتر از پیش به وحدت و یکپارچگی و هم آهنگی در مبارزه علیه بیگانگان ر آورده اند.

آنها علیرغم اختلافات موجود بین خود همگی بر روی خروج ارتش اشغال گز روس و تحقق استقلال کشور متفق القولند. در واقع مبارزه و جنگ علیه قوای خارجی بیک جنگ میهنی و مقدس برای نجات ورها سازی افغانستان تبدیل شده است. مردم بیشتری به مبارزه روی آورده اند و صفوف جنبش خلق بسط و گسترش بیشتری یافته است.

از زمان اشغال تاکنون چندین سازمان متحد شده و جبهه های مختلفی را بوجود آورده اند. چند ماه پیش پنج سازمان اسلامی با هم وحدت کردند و "اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان" را بوجود آوردند. در اوخر ژوئیه (اواسط مرداد) در پیشا وریا کستان از هر استان افغانستان یک نماینده دور هم گرد آمده و بر نامه همگاری و هم آهنگی عملیات جنگی را علیه اشغال گران روسی طرح ریزی کردند. نتیجه این گرد هم آیی ایجاد یک سازمان جدید بنام شورای سرتاسری انقلاب اسلامی افغانستان "بود.

و ما شین جنگی اش در افغانستان تصمیم به اتخاذ سیاست و تاکتیک های جنگی جدید و وارد کردن نیروهایی نظامی بیشتر و تازه نفس بگیرند. هر چند روسها بزودی دست بیک یورش و تهاجم همه جانبه علیه رزمندگان افغانی و سرکوب جنبش مقاومت خواهند زد اما جنایات

ارتش روسیه جهت پیدا کرده راه حلی در حفظ لاشه گندیده رژیم بزرگ کارمندان کشتیک های جدید جنگی به کابل وارد شده است. نیویلسای خارجی مقیم کابل و منابع رزمندگان افغانی گزارش میدهند که روسها سرگرم ایجاد شبکه های وسیع و پیشرفته برای

لهستان ۱۹ میلیارد دلار بدهکار است

موجب شد تا دست روی این اصل هفته پیش از کابل گزارش شده یک هیئت از افسران و کارشناسان بلندپایه



حملات هوایی، دریایی و زمینی اسرائیل به لبنان

نیروهای تاج و زکا اسرائیل از طریق هوا، دریا و زمین مواضع چیکهای فلسطینی را در دو نقطه امتداد ساحلی لبنان زیر آتش گرفتند. فرماندهان ارتش صهیونیست ها ادعا کردند که در این حملات سه تن از فدائیان فلسطینی را به شهادت رسانده اند. رادیولبنان نیز اعلام کرد که نیروهای نظامی اسرائیل اردوگاههای آوارگان را در "رشیدیه" و "برجیل شمالی" بمباران کرده اند اما تلفاتی نداشته است. این دومین حمله ارتش مهاجم تاج و زکا اسرائیل در دو ماه اخیر است. لازم به یاد آورید که کمپاندهای اسرائیلی در ۳ ماهه ژوئن به پایگاههای جنبش مقاومت فلسطین در شمال رود "لیتانی" یورش بردند و باعث شهادت چندین چریک و رزمنده فلسطینی و نیز خراب کردن چندین ساختمان شدند. این تهاجمات بدون شک دلیل انفرادی و دراماندگی غاصبین صهیونیست است که برای بالا بردن روحیه ارتش جنایتکار خود می باشد. چنین تهاجمی در زمانی صورت میگیرد که جبهه پشتیبانی از مردم و جنبش مقاومت فلسطین روز به روز از پشتیبانی بیشتری برخوردار میگردد. از طرف دیگر ما هیت انگلی و تحمیلی این رژیم نژادپرست و غاصب روز به روز برای خلق ها و کشورهای بیشتری در جهان حتی برای مردم فلسطین اشغال شده بر ملا تر میشود.

استحکامات نظامی می باشد انتظار می رود که سوسیال امپریالیسم روس برای روی آوردن با درماندگی دولت دست نشاندگی

گره جنوبی: سرسپرده شماره یک آمریکا روی صحنه می آید

بالاخره پس از مدتها مردم قدرنظامی و سرسپرده شماره یک امپریالیسم آمریکا از اختنا بیرون آمد و خود را آفتاب می کرد. ژنرال "چون دو" که با تفاق دیکتاتور معدوم، "پارک" در سال ۱۹۶۱ به دنبال او چگیری جنبش توده ای و تظاهرات و اعتصابات سرتاسری در یک کودتای نظامی زمان مورکشور را بدست گرفت اخیرا بدرجه سپهبدی ارتقا یافته است. خیرگزار ریچای فارچی از شول پایتخت گره جنوبی گزارش میدهد که ژنرال "چون دو" زمینه رئیس جمهور شدن را فراهم می آورد. دستگاههای تبلیغاتی رژیم دیکتاتور گره جنوبی اخیرا زمینه را برای "انتخاب" رئیس جمهور بطور غیر مستقیم توسط ۱۵۰ نماینده فرمایشی فراهم میکنند. گرچه مدتهاست ریاست سازمان "جهتی" "منیت" گره جنوبی را بعهده داران اصلی نزدیکترین خادم امپریالیسم آمریکا و تقریبا همه کاره رژیم دست نشاندگی گره جنوبی است. امپریالیسم آمریکا از یک طرف دلش برای زیر پا گذاشتن "حقوق بشر" در گره جنوبی میسوزد و از طرف دیگر ما مل سرسپرده خود را که مسئول کشتار روسیه بندگشیدن هزاران میهن پرست و آزادگه های است بر مسند قدرت مینشاند. کافی است به نظریات یکی از مقامات رسمی امپریالیسم آمریکا در باره سیاست آمریکا نسبت به گره توجه کنیم: "شاید و آرا من در اینجا برای آمریکا مهم است، و امنیت ملی و شباهت درونی مطمئنا قیاسل از فضای با سیاسی می آید". روی سپس در جای دیگری میگوید: "من مطمئن نیستم که گراسی که ما از آن درک می کنیم برای گره ای ها پذیرا باشد و یا گره ای ها آماده پذیرش آن باشند". این اظهارات نشان دهنده منظور واقعی آنها از "حقوق بشر" در کشورهای زیر سلطه آمریکا می باشد. به بیان ساده تر آنها آشکارا اعلام میکنند که ما (امپریالیسم آمریکا) لیاقت دیگری را دارا ریدر حا لیکه گره ای ها هنوز با بدست نکران و در زمین مالیت و با رشوند! همین "فرمایشات" را سردمداران کاخ سفید و نوکوابرانی شان غامخلوع و سقط شده نیز از اجبیه مردم ایران اظهار می داشتند.

مبلغ گزارش با زهمنا چاراست قرض بگیرد. میزان بدهی کشور لبنان در هیچ یک از کشورهای اروپای شرقی نظیر آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، آمریکا و ژاپن کمترین کشور اروپای شرقی است. مقامات لبنان که برای سال ۷۹ نرخ رشد اقتصادی کشورشان را ۵/۲٪ تعیین کرده بودند نتوانستند به رقمی بیش از ۲/۴ درصد دست یابند. رشد صنعتی این کشور نیز در سال گذشته مسی ۴/۹ درصد کمتر از میزان پیش بینی شده بود و به ۳ درصد رسید. با او چگیری جنبش های کارگری در لبنان بنظر نمی رسد این کشور بتواند در سال جاری از این وضع فوق العاده بحرانی نجات یابد. افزایش مداوم قیمت ها و کمبود کالاها ی مورد نیاز مردم در لبنان بدهی های عسادی شده است. اختنا ق سیاسی و غیر قانونی بودن تشکیلاتی راستین صغی و سیاسی مردمی، بحران فزاینده اقتصادی دست در دست بکدیگر حکومت لبنان را با بحرانهای فراوانی روبرو کرده اند. در عین حال با توجه به اینکه کشورها استهای کارگران اعتصابی سیاسی است و با توجه به اینکه کارگران لبنان در تجربیات فنی تری نسبت به دیگر کشورهای اروپای شرقی، در مبارزه علیه رژیمهای وابسته به سوسیالیسم امپریالیسم دارند انتظار می رود که حکومت بتواند بدهی های خود را با خشم کارگران را خاموش سازد. در ضمن با توجه به بحران اقتصادی در سراسر جهان و شدت یافتن مسئله انرژی در کشورهای اروپای شرقی باید در انتظار رشد هر چه بیشتر شرایط معینی حرکت خشم آلوده خفهای ستند بدهی لبنان باشیم.

بحران اقتصادی سرمایه داری از کجا سرچشمه می گیرد؟

کنفدراسیون صنایع انگلیس بر مبنای یک تحقیق و بررسی که از ۷۲٪ شرکت های صنعتی این کشور بعمل آورده اعلام کرده است که بحران کنونی گریبانگیر صنایع این کشور در عمال گذشته، بی سابقه بوده است. کنفدراسیون همچنین در مورد بی اعتمادی نسبت به سرمایه گذاری اعلام داشته است که این وضع از ۱۹۷۲ تا کنون دیده نشده است. از میان کلیه شرکت های صنعتی مورد بررسی کنفدراسیون صنایع انگلیس تنها ۲ درصد آنها نسبت به آینده اظهار خوشبینی نموده اند. چند ماهی است که محافل امپریالیستی صحبت از فرار سپدن بحران و رکود عمیقی در اقتصاد کشورهای غارتگری نماینده، بحران کنونی بدون استثناء کلیه جهان را از شرق و غرب را در بر گرفته است. بی شک این بار هم امپریالیست ها برای فرار و گریز از بحران با آن راه هر چه بیشتر برداشتن تحت سلطه، کشورهای زیر سلطه و زحمتکشان و سرمایه داران غیرا شکاری کشورهای خود تحمل می نمایند. اما این کار نیز بدون کوچکترین تردیدی مقاومت و هت شدید تر و همه جا نبه تر شما می مستمیدگان جهان را برخواهد انگیزت و به او چ نویسی در مبارزات استقلال طلبانه و رها نشی بخش خلق ها و کشورهای تحت سلطه امپریالیستی منجر خواهد شد. بطور کلی بحرانهای سرمایه داری نشانگر سبقت گرفتن حجم تولیدات از میزان تقاضای زحمتکشان است بر حسب توانائی مالیشان، که مرتباً از جانب سرمایه داران و انحصارات تضعیف میشود، میباید شوند تا ندهنده نقیض با زدارنده روابط تولیدی حاکم بار شود و شکوفائی نیروهای تولیدی است. استالین در این مورد می نویسد: "سایس بحرانها در تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل تملک سرمایه داری فرآورده های تولید شده قرار دارد. این تضاد اساسی سرمایه داری به شکل تضاد بین افزایش تحول اساسی حجم تولید سرمایه داری - که هدفش به دست آوردن حدا کثر سود سرمایه دار است - و تنزل نسبی تقاضای قابل برداشت میلیونها زحمتکش که سرمایه داران تلاش می ورزند سطح زندگی اینان را به حداقل محدود سازند، تجلی می یابد." (گزارش به کنگره ۱۶)

رنجبرو خوانندگان
نشانی پستی: «رنجبرو»: تهران -
صندوق پستی ۳۱۴ - ۱۴۰۱
منطقه پستی ۱۵

"اسلام شناسی" به شیوه دار و دسته کیانوری

مبارزه ی بزرگ و تاریخی مردم ما علیه بر قدرت روسیه، شدیداً دار و دسته کیانوری را به وحشت انداخته و اتفاقاً در دفاع از آریاب به سیم آخزنده و با تیر درشت در شماره دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹ بشیرمانه نوشتند: "تحریکات فدتوده ای و تبلیغات فدشوری زمینه ای است برای انجام توطئه ضد انقلابی". با پیدا زاین آقایان برسید: دم خروستان را قبول کنیم یا قسم حضرت عباسان را. آیا صحبت کردن علیه امپریالیسم تاج و زکا روسیه زمینه سازی برای "انجام توطئه ضد انقلابی" است؟ اگر چنین باشد آیا این خودنوع روسی "تکفیر" امام نیست؟ آقایان خودتان را خیلانی سیاستمدار و نا کتیک شناس قلندار نکنید. موضع تاکتیکی شما در برابر "اسلام مبارز" و "آیت الله" شدن

رنجبرو خوانندگان
نشانی پستی: «رنجبرو»: تهران -
صندوق پستی ۳۱۴ - ۱۴۰۱
منطقه پستی ۱۵

لیکن بدانید که مدت ها است بشما ریخته و پشته تا به اتفاقا ده است. پشتیبانی بیدریخا بر قدرت روسیه از شما هم دردهایتان را دوا نخواهد کرد. جای شما در میان منفورین تاریخ کشورمان است هر چند که در قیافه ی شیطان به گول زدن آنها بپردازید و خرس قطعی را گاو شیرده را مخلوط دهید!

رنجبرو
نشانی: (دفتر رنجبرو در اشغال یکی از مراکز خودکامه است).
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۲۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵

از انحصار طلبی تا استبداد

توده‌ها با انحصار طلبی مبارزه می‌کنند

از اوائل پیروزی انقلاب اسلامی و بویژه در ماه‌های اخیر، انحصار طلبی بمانند به یک جریان انحرافی و خطرناک در جناح‌های از حاکمین مورد بحث و انتقاد مسردم و نیروهای سیاسی بوده است. انحصار طلبی علیرغم نقش مثبت و سازنده‌ای که عده بسبب آن در احیای کثرت‌طلبی آن در تمام مملکت و بسط و توسعه آن در شرق، نه شرقی و غربی و بسط و توسعه آن در میانه‌ها و غرب آسیا و آفریقا داشته‌اند، بمانند به یک جریان سیاسی ناسالم و خود را زعمای اساسی اخلال‌گرا در انقلاب اسلامی عمل کرده است. به ویژه در ماه‌های اخیر از یک طرف مبارزه بر سر کسب و انحصار قدرت در درون حاکمین حداثت بسیار بقه‌ای یافته و از طرف دیگر چپ‌نماها در محله سیاسی دچار انفعال گشته و نقش اخلال‌گرا در آنها فروکش کرده است. چهره زشت انحصار طلبی و نقش منفی و مخمل آن بیش از پیش آشکار گشته و بیش از پیش از طرف توده‌ها مورد طرد و انتقاد قرار می‌گیرد.

قیام توده‌ها و بشکرا نه فداکاری آنها به حاکمیت رسیده‌اند، به دنبال فیضه کردن هر چه بیشتر قدرت و حاکمیت بلامنازع بر همه شئون و خود را قدم به قدم از توده‌ها جدا کرده و در راه آنها قرار می‌گیرند. این حرکت در ادامه خود مجبور است در مقابل توده‌ها قرار بگیرد و در این موضع ناچار از یکا بر بردن زور بر مردم و تبدیل شدن به محملی برای مستکبران و امپریالیست‌ها است. اساس رابطه انحصار طلبی با استبداد دهره‌مین حقایق استوار است.

حال ببینیم انحصار طلبان با جریان‌ها و مسائل مختلف جامعه چه برخوردی دارند و چگونه قدم به قدم بسمت استبداد می‌روند.

انحصار طلبان ضد آزادی و سرکوبگرند

انحصار طلبان در تلاش برای حاکمیت یک جریان و یک جناح بر کلیه شئون کشور و جامعه، با هر چه که نیستند مخالفت می‌کنند. از اینرو آنها مخالف دموکراسی، مخالف کلیه آزادی‌ها و مخالف ابراهیزگرانه عقیده متفاوت و یا حتی سلیقه‌اند. شاید انحصار طلبان به این وضوح نظر و هدف خود را به زبان نیاورند اما در واقع انحصار طلبان خود را "عقل کل" و "قیم همه مردم، همه اقشار، همه گروه‌ها و همه مذاهنب میدانند و مدعی اصلاح دیگران را بهتر از همه تشخیص می‌دهند و می‌گویند که البته همه "آزادند" در چارچوب تنگ فرامین و قوانین روزانه انحصار طلبان زندگی کنند.

این خصلت ضد دموکراسی و ضد آزادی انحصار طلبان آنان را به اتخاذ شیوه‌های بوروکراتیک، تحصیل نظرات، اعمال زور و فشار، سلب آزادی‌ها و سرکوب دیگران و ایجاد کارها و برای موجه جلوه دادن به آنها تم زنی، دروغ گوئی، پیرونده سازی و توطئه علیه دیگران می‌پردازند. همه را غیر از خود متحرقه طاعتی،

انحصار طلبی و انقلابیگری کاذب

انحصار طلبی و انقلابیگری کاذب با هم پیوند دارند. گناه انحصار طلبان خودنما یبنده انقلابیگری کاذب اندوگاه انقلابی نمائشی بهانه و پوششی است برای برخی از انحصار طلبان که توده‌ها را بدور خود گرد آورده اند و مخالفان را زمین‌ها از میدا ن بدرکنند. ما انقلابیگری کاذب انحصار طلبان را در برخورد به طبقات مرفه و طبقات زحمتکش نشان خواهیم داد:

بر خورد انحصار طلبان به طبقات مرفه

کشور ما سالها زیر سلطه امپریالیسم بوده و کمپوزی است عقب نگه داشته شده. جامعه ما نیز جامعه‌ای است طبقاتی و تا سالهای بسیاری نیز طبقاتی خواهد بود. امروز سرما به داری کوچک و متوسط در کشور ما که سالها زیر فشار سرما به داری وابسته و انحصارات امپریالیستی بوده و یکی از عوامل مثبت در راه رشد اقتصاد ملی است که میتوان ندر جهت کسب استقلال و خودکفایی مینمان نقش مهمی ایفا کند. امروز پس از نیازهای مردم ما در زمینه تولید، توزیع و خدمات بوسیله سرما به داران ملی و توسط متخصصین تهیه و تامین میگردد که دارای رفاه نسبی میباشند. سهم این گروه در رشد اقتصادی ملی در آینده کشور ما سهم مهمی را خواهد داشت. سیاست انقلابی واقعی با پیدا زاین عامل مثبت استفاده کند و آنرا رد دهد. اما انحصار طلبی در یک تازگی خود علیه جریانات غیر خصلت‌

آنچه که در باره انحصار طلبیان قابل ذکر است اینکه آنها نه خود بر نامه‌اصولی برای حل مشکلات مستضعفین ارائه میدهند و نه حاضر میشوند بر نامه‌ای را بپذیرند. بعلاوه اینکه انحصار طلبان یا با انقلابیگری کاذب خود فقط هر چه و مرج و بحران را دامین میزنند که دودش بیشتر به چشم حتمتکشان می‌رود و یا هر حرکت محققانه زحمتکشان را برچسب "اخلالگر" و "ضد انقلاب" میزنند و سرکوب میکنند.

انحصار طلبان علاوه بر نفوذ فوق العاده‌ای که در دستگاه دولتی دارند، در نهادها و انقضایی نیز رخنه کرده و عملاً اکثر آنها را در اختیار دارند. اگر اکنون یعنی یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب به کارنامه آنها نظر کنیم، بیافکنیم، می بینیم که آنها نه تنها در خصلت ضد توده‌ای دستگاه بنوعی روکراتیک دولتی تغییری بوجود نیاورده‌اند، بلکه تا آنجا که توانسته‌اند نهادهای انقلابی را بوروکراتیزه کرده و در برابر سر توده‌های مستضعف قرار داده‌اند. مستضعف‌خواهی انحصار طلبان یا صرفاً یک شعار بی محتوا است و متضمن هیچ برنامه عملی به سود مستضعفان نیست. با اینکه برای جمع کردن توده‌ها بسردور خود بمنظور استفاده از آنها بعنوان سپاهی لشکر در رقابت‌های گروهی و قدرت طلبی است.

انحصار طلبی به استبداد می‌انجامد

با این ترتیب انحصار طلبان با آزادیهای اساسی و قانونی مردم و نیروهای سیاسی مخالفت میکنند، همه را از خود میرانند، تفرقه و شکایت ایجاد میکنند، هرج و مرج و بی ثباتی را دامین میزنند و به رشد اقتصادی جامعه لطمه میزنند، و بدتر از همه اینکه برای زحمتکشان نیز کاری انجام نمیدهند.

از اینرو انحصار طلبیان ناراضا یی بوجود می‌آورند، اقشار و طبقات مختلف و گروههای گوناگون را علیه خود برمی‌انگیزند، طرفداران خود را از دست میدهند و روز بروز منقرض‌تر میشوند. انفرادی و بر انگیختن مخالفت مردم از یکسو و با فشاری

بر انحصار طلبی و اشتیاق قدرت از سوی دیگر انحصار طلبان را به اعمال هر چه بیشتر زور و شیوه‌های زور مدارانه سوق میدهد. ادا ما این گرایش میتواند تا آنجا برسد و این ادا مه منطقه‌ای انحصار طلبی است که انحصار طلبان در مقابل امواج توده‌های ناراضی و مخالفین سیاسی دیگر قاطره حفظ قدرت و موقعیت خود نیباشند.

در این صورت از آنجا که انحصار طلبان بشتوانه توده‌های خود را از دست داده و در میان مردم منفرد هستند، مجبورند استبداد خود را با گرایش به بیگانگان و در در حله اول بیکی از دو ابر قدرت آمریکا یا روسیه حفظ کنند و حاکمیت خود را تداوم بخشد. این گرایش نتیجه ناگزیر جدایی از مردم و حاکمیت زور است و به نیت و خواست هر چند خیر خواهی و "مکتبی" انحصار طلبان - وابسته نیست.

مثالهای متعددی را میتوان در تاریخ معاصر جهان بر شمرد: رژیم بعث عراق از استبداد وابسته نبود، بعثی‌ها جناحی از حاکمین انحصار طلب جامعه عرب لاهل نشین عراق با گرایشهای انقلابی گری خرده بورژوازی با مصالح خودشان "سوسیالیستی" بودند. نتیجه چه شد؟ - سرکوب خلق کرد، سرکوب شیعیان عراق، سرکوب آزادیهای، ایجاد هرج و مرج و در جامعه، تسویه حساب با کودتا‌های درون حکومت، سالها گرایش و وابستگی به روسیه و تبعید امروز گرایش به غرب و همراهی اینها اعمال استبداد در داخل عراق.

از همین گونه با پیدایش سرکوب در حکومت‌های کوبا، لیبی و...

آنچه که در باره انحصار طلبیان تصویر تاریکی بود از آینده انحصار طلبی و چگونگی گرایش آن استبداد. اما این همه قضیه نیست. عوامل مثبت در جامعه موجودند که نباید آینده بهتری را میدهند. این عوامل مطمئناً نخواهند گذشت که سرخشان انحصار طلب چنین آینده تیره و تاریکی را برای جامعه ما تدارک بینند. بهترین این عوامل عبارتند از: ۱- توده‌های آزادیخواه مین ما - مردم ما از این مبارزه عظیم علیه استبداد دپهلوی یکی از سیاهترین دیکتاتورهای جهان، سر بلند بیرون آمدند. بحق میتوان گفت مبارزه علیه استبداد در نیمه‌های یکی از جنبه‌های برجسته مبارزات مردم ما بوده و از اینرو مردم ما عمیقاً آزادیخواه و ضد استبداد هستند. این مردم قهرمان اجازه نخواهند داد استبداد جدیدی تحت لوای دیگری بر زمین ما حاکم شود.

۲- خصلت فداستبدادی اسلام مبارز - اسلام مبارز و بویژه جنبش شیخ همواره خصلت ضد استبداد داشته است. در میان صفوف جنبش اسلامی اکثریت با عنا صراحتی و ضد انحصار طلب اسلام مبارز است. آنها مطمئناً هر چه زمان میگذرد، بیشتر به عمیق انحراف انحصار طلبی پی میبرند و نقش خود را در انتقاد و طرد این انحراف و تصحیح صفوف خواهند بازی یابند.

مشتی انحصار طلب و معسودگی فرصت طلب و حاکمیت سرما به داران زمینداران بزرگ و بوروکراتهای لانه گزیده در صفوف آنان نخواهند توانست برای مدت زبانی چهیره واقعی خود را از توده‌ها پنهان کنند. مشت سوجدویان و قسودت طلبان را بازخواهد شد. و انحصار طلبان را از سر راه خود بر خواهد داشت. چرا که توده‌ها عمیقاً خواهان وحدت معنیر و خواهان استقلال طلب برای ابد استبداد و استقلال و یاختن آزادی آباد و شکوفان هستند.

مجبور است در آن زندگی خویش به یکی زد و با قدرت و با بسته شدن از اینرو انحصار طلبی جریان نی انحرافی در صف نیروهای خلقی است و مبارزه با آن مبارزه‌ای است برای تصحیح و جلب اکثریت به وحدت و انقیاد و منفرد کردن مطلق اقلیت سرسخت، در حالیکه ابتدا دو بسته به هم میزبان لیسنمی توانمقوله‌ای درون خلقی باشد و مبارزه با آن مبارزه‌ای است برای سرنگونی و از بین بردن آن.

اما از همین منحنی که گفته شد پیداست انحصار طلبی با استبداد قرابت‌هایی دارد و در صورتیکه تازی انحصار طلبان و تشدید قدرت طلبی آنها، انحصار طلبی در انجام خود به استبداد دخواها نجامد، مگر در زیر همین امر مستدل خواهیم ساخت.

انحصار طلبی محمل مستکبرین

جریان انحصار طلبانه یکسویان یکدست نیست، و منحصر به حزب یا گروه خاصی نیز نمی‌باشد. از یکسویان انحصار طلبی انحرافی است که بخشی از عناصر جنبش اسلامی بخاطر تنگ نظری، نادانی نسبت به حقایق وسیع جامعه، عدم اعتقاد کافی نسبت به برداشت خود از مکتب و ناتوانی در برخورد با شی‌اصولی و دفاع از مکتب خود، بدان دچارند و از این لحاظ میتوان گفت "مادقانه تنگ نظری انحصار طلبی است.

اما از سوی دیگر چون ایس انحراف محمل و پوشش وزینه خوبی برای حاکمان سرمایه داران زمین داران بزرگ و بوروکراتها است که بتوانند خصلت‌های فدموکراتیک و فدمودهای خود را برای حفظ منافع خود بکارانند، لذا این حاکمان مستکبرین همراه با تشدید انحصار طلبی و جدا شدن بیشتر انحصار طلبان از توده‌ها روز بروز بیشتر در صفوف انحصار طلبان جا خوش کرده و با اصطلاح "مکتب" را به چاقی برای قدرت طلبی و کوبیدن و از میدان بدر کردن دیگران تبدیل کرده‌اند.

با ید اعتراف نمود که هر چه به انحصار طلبی دامین زده میشود این عناصر "مادق" و مکتبی انحصار طلب نیستند که حاکمیت پیدا می‌کنند بلکه روز بروز عناصر صادق و سنی‌اصلاح کنا زده شده و بر قدرت و اختیارات همان حاکمان سرمایه داران زمینداران و بوروکراتها افزوده میشود.

در این میان البته وجود برخی عمال دوا بر قدرت که با استفاده از این جوهره دوا بر قدرت و اختیارات و به نفع‌رسانی‌های مردم دامن میزنند، جای خود دارند. انحصار طلبان که به برکت

هر من نسیم، به سبب عدمی "مکتبی" ملقب میشود. هر کس که تسلیم نشد برای این پرونده رومیکنند. انبیا پرونده‌ها انحصار طلبان تمام نشدنی است. انحصار طلبان بارواج بی حد و حصر این شیوه بر حسب زنی علاوه بر ایجا دجوبی اعتمادی در میان مردم، برای عناصر متوسطه‌گر، ضد انقلاب و وابسته‌یوش مناسبتی می‌آفرینند که چهره خود را در این بازار آشفته پنهان دارند.

هر چه انحصار طلبان در این زمینه‌ها بیشتر می‌کنند و تا زنده‌بیشتر مخالف پیدا می‌کنند و تا چار بیشتر به این شیوه‌ها درست و سرکوب مخالفان متوسل میشوند، ایس ما ریچ تا میمون در سر انجام خود تا چار به استبداد و خودکامگی کامل و وابستگی و انحطاط می‌انجامد.

انحصار طلبان ضد وحدت و نفاق افکن اند

انحصار طلبان برای تحمیل نظرات و برداشتهای خود گام به گام نیروهای دیگر انقلاب و استقلال طلبان را مورد حمله قرار میدهند و از این طریق در صفوف توده‌های مردم شکاف و انشعاب می‌اندازند.

ابتدا انحصار طلبان به زدن ک و نیستهای بردازند، آنها را با چپ‌روها و سران اخلاص گرچ نما و با نوکران و دست‌نشانندگان روسیه مخلوط میکنند و همه را بدون تمایز گذاری با چوب تکفیر و لحد میزنند و طرد میکنند. سپس به زدن نیروهای ملی گرائی مترقی و حتی مذهبی تحت عنوان "لیبرال" و "فیسره می پردازند و گویند فقط باید جنس اسلامی میرسد که مرتب بخشای از آن را تحت عنوان "مکتبی" نبودن می‌زنند.

این جریان با بیان ناپذیر است و ادا نه خواهد یافت و اگر همه چیز نیز در دست جناح خودشان بیفتد اختلافات و زدن همدیگر شروع میشود.

دست‌هایی نیز در این میان بیکار زنی نشینند همان حاکمان منافع سرمایه داران زمینداران بزرگ و بوروکراتها و عناصر پنهان شده و وابسته به بر قدرت آنها این جریان تفرقه اندازی را دامن میزنند تا زمینه زدن ضربه نهایی و شکست انقلاب را فراهم کنند.

حاصل کار انحصار طلبان در یک سال و نیم اخیر پس از انقلاب شدید اختلافات میان صفوف نیروهای استقلال طلب، مذهبی، ملیستی و کمونیست‌های راستین است. در این راه انحصار طلبان به

این گروه اجتماع را همدیگر با سرمایه داران وابسته قرار داده و مورد هجوم قرار میدهند، نتیجه این سیاست انقلابیگری کاذب که تنها ظاهری "مکتبی" و ضد امپریالیستی" داشته و در ماهیت خود سدکننده راه پیشرفت و ادا مسه انقلاب است، اخلاص در وضع تولید توزیع و خدمات مورد نیاز مردم، ضربه زدن به ایجا دور شدیک اقتصاد ملی خودکفا و گریزان کردن سرمایه داران و سرمایه‌های ملی، متخصصین و روشنفکران و وابسته‌ها این طبقه از انقلاب می‌باشد.

بدین ترتیب انحصار طلبان که با پرچم "تعدیل ثروت" و "تابودی مستکبران" میداد آمده اند در اثر سیاست فاسد خود از یکطرف کشور را بیش از پیش نیازمند به کشورهای خارجی میکنند و از سوی دیگر با ایجا دنا امنی قضایی و اقتصاد با بجای مبارزه با ثروت اندوزی استثمارگران، آنچه را که میتوانست در خدمت نظم و تولید قرار گیرد به هم می‌ریزند.

بر خورد انحصار طلبان باز حمتگان

و اما دروغ بزرگ انحصار طلبان در برخوردشان به زحمتگان کارگران و دهقانان و کشاورزان است. نهفته است.

انحصار طلبان که انقلابی نیستند و یا انقلابیگران کاذب اند بسیاری از اعمالی را که انجام میدهند چنین توجیه میکنند که گویا طرفدار "مستضعفین" هستند و میخواهند وضع زندگی آنها را بهتر کنند، آنها حتی وعده‌ها می‌دهند که بی طبقه می‌دهند و از این طریق طرفدارانی از میان زحمتکشان بدو ر جمع میکنند.

اما با ید مصراحت گفت که انحصار طلبان به مستضعفین راست نمیگویند. حل مشکلات زحمتکشان و ایجا دجا معای غا دلانه و بی طبقه نه در توان انحصار طلبان است و نه در ماهیت شان. در همین یک سال و نیم گذشته انحصار طلبان وعده‌های بسیاری به مستضعفین داده‌اند، وعده زمین به دهقانان کاروسکن به کارگران و غیره، حاصل کار انحصار طلبان با ندادن کفی گویاست که نتوانستند کاری از پیش ببرند.

شکی نیست که ما معتقدیم نیستیم مسئولیت فقر، بیکاری و هزاران مشکل دیگر زحمتکشان را با معما بچده انحصار طلبان و یا حاکمیت کدونی است. مسئول اصلی بدبختی‌ها یا معما مگر درجه اول امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته به آن بوده است. و طبیعی است که این همه مشکلات یکسویان یکسواله حل نخواهد شد. اما

آیت الله موسوی اردبیلی:

اگر به یک تفسیر روشن از این انقلاب اسلامی برسیم خدشه بر انقلاب وارد می‌آید.

استاد رضا صفهانی:

برای تحکیم مجدد وحدت باید با استثما را قنصادی و انحصار طلبی مبارزه‌ای بگیریم و بی امان شروع کنیم.

آیت الله موسوی اردبیلی در سلسله مباحثه‌های روزنامه انقلاب اسلامی ۲۶ مرداد تحت نام "بیم ها و میدها" در پاسخ به این سؤال که عمده ترین مسئله انقلاب چیست اظهار میدارد:

"اگر ما نتوانیم در تبیین و تفسیر این انقلاب اسلامی به یک تفسیر روشن مورد قبول هم‌انتهایی که اسلامی هستند و نیروهای فعال هستند برسیم یعنی اختلاف برداشت اختلاف در یافت، اختلاف فکری داشته باشیم... سبب میشود که نیروها در جهت حرکت نمیکنند... این، خدشه بر انقلاب وارد می‌آید."

آیت الله موسوی اردبیلی سپس از قول استاد شهید مطهری نقل میکند که یکروز در راه پیمایی قبل از پیروزی انقلاب گفت: اگر فردا وقتی این شعار را خواستیم بیا ده کنیم خواهی به میان خواهد آمد اگر ما نتوانیم وحدت کلمه و اتحاد کلمه را در تفسیر همان جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی داشته باشیم... من از همه چیز بیشتر از این میترسم که به انقلاب دمدمه وار دکنند و انقلاب را خدشه دار کنند."

امروز پس از گذشت یک سال و نیم از پیروزی انقلاب اسلامی همان بیم‌نگرانی‌ای که در سال‌ها شده صورت واقعی یافته است. در این مدت نیروهای مختلف طرفدار انقلاب از سوی برخی نیروها و جناح‌های اسلامی حاکم رفته رفته طرد شدند، سپس نوبت به اختلافات میان جناح‌های اسلامی رسید که هر کدام دیگری را "مکتبی" نمیدانند و می‌

انحصار طلبی

وحدت نیروهای انقلاب تنها حول یک برنامه سیاسی میتواند تأمین شود

نگرانی در انقلاب، علل، راه‌حل‌ها و میدها چیست، به نکات مهمی از مشکلات کنونی انقلاب و میهن ما اشاره نمودند.

آقای رضا صفهانی ضمن تأکید بر این امر که بزرگترین عامل بیرونی ما وحدت ملی است، مردم با افکار و عقاید مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی بود، اظهار داشت که مشکل بزرگ ما مسئله تفرقه بعد از وحدت میداند.

آقای رضا صفهانی در باره غلظت تفرقه گفت ریشه را در خود خواهی به دو شکل اقتصادی و ریاست طلبی باید جستجو نمود. وی در مورد مشکل اقتصادی خود خواهی توضیح میدهد که چگونه استثما رگران که از انقلاب دجا روجست بودند، اکنون در قالب "افراد انقلابی" و بخاطر عملکرد بدی برخی از مسئولین مجسدها بخارت مردم مستضعف میگردانند.

آقای رضا صفهانی اشاره نمود که معای که دجا رفرو محرومیت اقتصادی است، مشکل بتوانند. انحصار و وحدت خود را حفظ کنند، کارگزاران و وزی که می‌بیند بعد از انقلاب اسلامی زیر فشار بیشتر قرار داده‌اند و انقلاب بدبین میشود. آقای رضا صفهانی در مورد ریاست طلبی گفت که جاه طلبان جلوی وحدت توده‌ها را میگیرند و خود بیشتر میداند که اگر توده‌ها با یکدیگر وحدت داشته باشند آنها نمیتوانند در دست و مقام خود برقرار باشند.

وی سپس در باره راه علاج تأکید نمود که باید به رفع ستم اقتصادی از یکطرف و مبارزه با انحصار طلبی که مظهر با زریاست طلبی است از طرف دیگر پرداخت. آقای رضا صفهانی در بیان در باره میدها حل مشکلات چنین گفت: "با توجه به اینکه مردم می‌باید آگاه و وجود دارند که میتوانند با کمک برخی از نمایندگان مسئول و متعهد مجلس جریانی ایجاد کنند که باعث از میان بردن نفوذ خودخواهان استثما رگرو فرصت طلب (گردند) تاحدی امید به آینده‌ای روشن داریم."

خواهد از صحنه خارج کند تا امروز که یک جناح انحصار طلب تحت نام "مکتب" میخواهد همه قدرت‌ها را با هر حیل‌های که شده در دست خود قبضه نماید.

آقای موسوی اردبیلی و دیگر صاحب نظران بدرستی مسئله را در ضرورت داشتن تفسیر روشن از اهداف های انقلاب میدانند. اما آنچه که علل را توضیح میدهند و میخواهند راه‌حل پیشنهاد کنند، ه فوق نمی‌شوند راه‌حل و برنا مه روشن و عملی ارائه دهند و تنها به همان تعاصبی که ۵۰۰ مطرح بوده اکتفا مینمایند. ما با رها تا کید نموده ایم که وحدت اصولی و پایداری نیروهای انقلابی جامعه ما، وحدت سیاسی و بر اساس یک برنامه روشن سیاسی است. این ضرورت از واقعیت‌های انگارنا پذیر جا معما سرچشمه می‌گیرد.

امروز حتی دیگر روشن شده که خود نیروهای اسلامی نیز تنها نمیتوانند بر مبنای یک برنامه سیاسی که به اهداف انقلاب پاسخ گوید و به وحدت برسند و صرف بیان شعارهای انقلاب اسلامی با معیارهای مکتبی بدون ارائه برنامه‌های سیاسی حتی برای وحدت نیروهای اسلامی نیز گنای بی ندارد.

بنا بر این به علل واقعی تفرقه‌های کنونی توجه کنیم و برای نجات انقلاب به این حقیقت بزرگ احترام گذاریم که وحدت نیروهای خلق باید وحدت سیاسی باشد و این مبنای سیاسی نه تنها نیروهای اسلامی بلکه کلیه نیروهای امپریالیست طلب و همه خلق‌های میهن ما را در برآوردنشان از انقلاب وحدت میدهد و در این میان تنها مشتری نا چیز فدا انقلاب و وابسته و خائنین که اساس دشمن انقلابند، گردو سرکوب خواهند شد.

استاد درفا صفهانی در سلسله مباحثه‌های "بیم‌ها و میدها روزنامه انقلاب اسلامی ۲۶ مرداد - در پاسخ به این سؤال که عمده ترین مسئله